

تحلیل نظری مبانی حفظ حقوق شهروندی و احترام به آزادی‌های مشروع در قانون

محمد حسین جعفری^{۱*}، فاطمه بنادکیان^۲

^۱ استادیار و عضو هیات علمی، گروه حقوق عمومی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

^۲ دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

چکیده

انسان این مخلوق الهی موجودی آزاد و مختار آفریده شده است، لازمه این آزادی و اختیار این است که هر انسانی در تمام شئون زندگی خود اعم از مسائل مادی و معنوی به صورت آزادانه و مختار تصرف نماید و هیچ مانعی در این راه نداشته باشد. حرکت قانون انسان‌هاست و از این حرکت و فعالیت که لازمه زندگی اجتماعی است ارتباطات زیادی بین افراد بشر پدید آمده است. زندگی اجتماعی لازم می‌دارد هر بشری به اقتضای موقعیت خود در اجتماع، بخشی از منافع خود را نادیده گرفته و آن را در راه اعتلای منافع مشترک فدا کند، اما از زمانی که انسان پا به عرصه گیتی نهاد، یا خود مرتکب رفتارهایی شد که برای او و هموعانش مشکلی آفرید و یا از سوی فرد دیگری، با انجام همان رفتار، متضرر شد. در این مقاله به تبیین مفهوم حقوق شهروندی و دلالت‌هایی که این مفاهیم در حال حاضر به همراه دارد پرداخته شده است. در واقع تحلیل پیرامون شهروندی در جهان امروزی و چپستی و چرائی آن صورت گرفته است. در نگاه ابتدائی مرز میان حقوق بشر و حقوق شهروندی روشن می‌نماید اما با تبیین مباحث، معلوم خواهد شد که تفکیک میان این دو مقوله چندان هم آسان نمی‌باشد از این‌رو در این خصوص مباحثی طرح و به تحلیل آنها پرداخت شده است.

واژه‌های کلیدی: شهروند، حقوق شهروندی، حقوق بشر، آزادی‌های مشروع.

۱- مقدمه

شهروندی جلوه و نمود رابطه دولت با ملت را در ادبیات حقوقی نمایانگر می‌نماید. اما جلوه‌ها و نمودهای شهروندی در این عرصه حقوقی و تکالیف مختلفی را برای شهروندان و دولت‌ها نمایان ساخته است. بسته به سیاست جنائی جاری و مدلی که حقوق کیفری شکلی در قالب آن قابل تصور می‌باشد حقوق شهروندی خواهد توانست در آئین دادرسی کیفری تاثیرگذار گردد. با این حال آفت و خیز و محدودیتهای اعمال شده از جانب سیاستگذار جنائی نیز از حقوق شهروندی مورد شناسائی متاثر گردیده و زمینه تغییر مسیر برخی مقرره‌ها را فراهم آورده است. با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۳۹۲ شواهدی در این قانون وجود دارد که گویای اثربخشی قانون یاد شده از حقوق شهرندی می‌باشد. که جلوه‌های حقوقی بشری نیز در آن هویداست (کریمی، ۱۴۰۰). جریان شهروندی، جریان فکری فرهنگی مدنی که با محوریت شهروند بر مبنای آموزه‌های حقوق بشر و شهروندی و آزادی‌های بنیادین و معیارهای انتخابات شفاف-آزاد و عادلانه موازای جریان فکری ناسیونالیسم و جریان فکری اسلامگرا با روش کنشگری مدنی تغییر برای تحقق دولت حقوقی فعالیت می‌کند. به باور این جریان در ایران سه جریان فکری «اسلامگرا»، «ناسیونالیسم» و «شهروندی» وجود دارد که روش کنش خود را بر مبنای «محافظه‌کاری»، «اصلاح طلبی»، «مدنی تغییر» یا «براندازی» برگزیدند. جریان فکری «اسلامگرا» که از گروه‌ها و سازمانهای مختلف و گاه معاند یکدیگر شکل می‌گیرد نظر به نحوه تعامل با نظام جمهوری اسلامی روش کنشگری «محافظه‌کاری»، «اصلاح طلبی» یا «براندازی» را برگزیدند حال آنکه جریان «ناسیونالیستی» بین دو روش «اصلاح طلبی» یا «براندازی» عمل می‌کند. جریان فکری «شهروندی» روش کنشگری «مدنی تغییر» را اختیار کرده است (بهلول زاده و بهلول زاده، ۱۴۰۱).

با وجود آنکه آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی معمولاً از سوی حاکمان تحدید و تهدید می‌شود تصویب قانونی در جمهوری اسلامی ایران که حاکمان را به پاسداشت آزادی‌های مشروع افراد و حقوق شهروندان مکلف می‌گرداند، گامی مهم در جهت تقویت حاکمیت قانون در ایران و محترم داشتن حقوق و آزادی‌های فردی تلقی می‌گردد. بدیهی است که صرف تصویب قانون برای حمایت کامل از این مهم، کافی نیست بلکه اجرای آن نیز مهم است و قانون برای آنکه قابل اجرا باشد باید قانونی کارآمد باشد و از اوصافی برخوردار باشد که مانع متروک ماندن قانون گردد (احد زاده و پورجوهری، ۱۳۹۹). تمامی کشورها برای اتکا به مشروعیت مردمی خود باید همواره ضمن شناسایی مجموعه حقوق و آزادی‌های اتباعشان، سازوکارهایی برای ارتقاء و تضمین تمام بعد آن طراحی و به موقع اجرا بگذارند. در جمهوری اسلامی ایران، از آن جهت که در مبنای اسلامی باید حقوق و آزادی‌های مشروع همه انسان‌ها (اعم از مسلمان و غیرآن) مورد احترام و حمایت دولت و کارگزاران آن قرار بگیرد و از آن جهت که نظریه قدرت در آن مردم‌سالاری دینی است، اقتضاء در نظر گرفتن شأن تمشیت‌کنندگی افراد ملت را دارد و همچنین نظر به تاریخ حکومت‌های استبدادی ایران و تجربه ناکام مشروطه‌خواهی، دولت جمهوری اسلامی ایران باید در نسبت با حقوق و آزادی‌ها، سیاستی شفاف، عمل‌گرا، جامع، رضایت‌بخش و موثر داشته باشد. متن قانون اساسی از ابتدا تا انتها، مبین رویکردی نسبتاً واضح به حقوق و آزادی‌ها در قالب «حقوق ملت» و «آزادی‌های مشروع» است (غمامی، ۱۳۹۸).

هنگامی که اول بار به دنیای موجودات زنده با تمام تنوع و گوناگونی آن می‌نگریم تصور خصایص مشترک بین آنها مشکل است. با این حال بی‌جهت نیست که گفته‌اند «تمام چیزهای زنده به معنای واقعی و مادی با هم برادرند. ژاکس». هر انسانی در درون خود گاه ندهائی می‌شنود که او را به کاری امر و نهی می‌کند. این اوامر و نواهی وجدان، نتیجه قضاوت‌های درونی است که موجب پیدایش وظیفه و الزام می‌گردند. وجدان اخلاقی قضاوتی است که در اعمال انسانی به عمل می‌آید که گاه مانند قوه مقننه عمل می‌کند یعنی قانع به تشخیص نیک و بد اعمال نیست بلکه امر به معروف و ناهی از منکر است. این وجدان پس از

او امر و ناهی وظیفه دیگری دارد و آن اعطای پاداش یا عتاب بر افعال است. انسان موجودی است اجتماعی و با زندگی در اجتماع حق دارد از دیگران انتظار احترام به حقوق و حریم را در تمام ابعاد آن داشته باشد. در تمامی نظام‌های معتبر حقوقی انسان از قدر و منزلت والائی برخوردار است که از آن به «کرامت ذاتی» افراد بشر نام می‌برند و می‌توان آن را سنگ بنای و منشاء کلیدی حقوق انسانی دانست. در این خصوص قضات و دادرسان برای تضمین و رعایت کرامت انسانی وظیفه طاق-فرسایی دارند از یک سو وظیفه دارند بدون مجوز قانونی از دخالت در حقوق افراد جامعه خودداری کنند و از سوی دیگر موظفند در قبال نقض حقوق شهروندان نیز عکس العمل قانونی مناسبی نشان دهند و حقوق و آزادی‌های افراد در این زمینه مورد حمایت قرار گیرد. سیستم حقوقی ایران و فقه امامیه، بر جبران ضرر و زیان ناروا تأکید داشته و از زندگی و جامعه بی‌ضرر حمایت می‌کنند و با وضع قوانین و مقررات خاص درصددند تا به هر طریقی زمینه را برای پیشگیری از تضییع ناروای اموال و حقوق دیگران فراهم ساخته و یا در صورت عدم امکان پیشگیری، از عمق و وسعت خسارت بکاهند یا حتی المقدور ضرر وارده را جبران نمایند.

۲- حقوق شهروندی

یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شود که در قانون پیش‌بینی و تدوین شده‌است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدفها و وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان به عنوان مهم‌ترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است. در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به‌طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود (بهلول زاده و بهلول زاده، ۱۴۰۱).

۱-۲- مفهوم شهروند و حقوق شهروندی

«شهروندی» از جمله مفاهیم جدیدی است که به طور ویژه به برابری و عدالت توجه نموده است و در نظریات اجتماعی، سیاسی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. شهروندی به انگلیسی «citizenship» از مشتقات شهر «city» است و شهروند ترجمه فارسی «citizen» است. در زبان فرانسه کلمه شهروند «citoyen» از شهر «cite» می‌آید و سیتی از واژه لاتینی سیوتیاس «civitas» مشتق شده است. سیوتیاس در زبان لاتینی تقریباً معادل کلمه «polis» در زبان یونانی است که همان شهر است که تنها مجتمعی از ساکنین نیست، بلکه واحدی سیاسی و مستقل به شمار می‌آید. شهروند فقط به ساکن شهر گفته نمی‌شود. «اساساً شهروند به کسی گفته می‌شود که بدلیل عضویت در یک واحد سیاسی یعنی دولت-کشور دارای حقوق سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی است. شهروندی رابطه‌ی نزدیکی با مقوله تابعیت دارد»^۱. شهروندی را قالب پیشرفته

^۱ - آرزو رضایی پور (۱۳۸۵)، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۰

«شهروندی» می‌دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهروندی‌ها هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به «شهروند» ارتقاء یافته‌اند.

شهروندی تا پیش از این در حوزه اجتماعی شهری بررسی می‌شد اما امروزه مفاهیم شهروندی به ایالت و کشور گسترده شده است. در کل شهروندی اشاره به زندگی روزمره فعالیت‌های فردی و کسب و کار افراد اجتماع و همچنین فعالیت‌های اجتماعی ایشان دارد و مجموعه‌ای از رفتار و اعمال افراد است. از نظر حقوقی، شهروند به کسی اطلاق می‌شود که تحت الحمایه حکومتی باشد و قوانین و دستورات آن حکومت را به رسمیت بشناسد و جزو جامعه‌ای محسوب گردد که دولت تمام اختیارات و حقوق آن جامعه را به تمام معنی قبول داشته باشد. شهروند شخصی است که عضو یک جامعه سیاسی به نام دولت - ملت است و از حقوق مدنی، سیاسی، و امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است.^۱

به طور سنتی در اکثر تعاریف، شهروند را معادل تبعه دانسته‌اند. تابعیت بر جنبه بین المللی تاکید دارد و شهروندی شمول حقوق داخلی را مورد تاکید قرار می‌دهد. در روزگار ما، پرسش از حقوق شهروندی پرسش از موقعیت قانونی فرد در یک اجتماع سیاسی خاص و مستقل است. شهروند فردی است دارای حقوق سیاسی مانند حق انتخاب شدن، و انتخاب کردن و به طور کلی حق مشارکت (مردم‌سالاری) در سرنوشت یک ملت.^۲

در حال حاضر در قانون اساسی که عمده‌ترین و اصلی‌ترین منبع حقوق شهروندی است، حقوق اتباع تحت عنوان «حقوق ملت» مطرح شده است. ظاهراً اولین فرهنگ فارسی که معنای واژه شهروند را ارائه داده «فرهنگ فارسی امروز» است که آن را چنین تعریف کرده: کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد. تعریفی که این فرهنگ از واژه شهروندی کرده به نسبت، دقیق‌تر از تعریفی است که دایره المعارف انگلیسی «wiktionary» ارائه داده است. این دایره المعارف شهروند را چنین تعریف کرده است «شخصی که به صورت قانونی مقیم یک شهر، دولت یا کشور شناخته می‌شود» فرد ممکن است مقیم یک کشور باشد در حالیکه شهروند آن کشور محسوب نشود و یا برعکس، کسی شهروندیک کشور باشد در حالیکه مقیم آنجا نباشد. دیدگاه فوق، انحصار شهروند به تبعه و نگاه ناسیونالیستی به تبعه که دیدگاه غالبی است و طرفدارانی در بین نظریه پردازان مثل دیوید میلر دارد اما در مقابل این دیدگاه ناسیونالیستی، دیدگاهی معتبر و فوق ناسیونالیستی از شهروند ارائه شده است. به نظر دیدگاه روم و طرفداران آن مثل «keithFaulk» باید مفهوم شهروندی از دولت و ملت جدا شود.^۳

به طور تاریخی مفهوم شهروندی وابسته به تبعه بودن است که مبتنی بر محروم کردن غیر اتباع می‌باشد و در نتیجه گروه‌هایی که جزئی از اجتماع ملی نیستند، محروم شده یا در حاشیه قرار می‌گیرند. طبق دیدگاه ناسیونالیستی و سنتی، شهروندی یعنی دریافت گذرنامه‌ی محل سکونت. با وجود این برخی از حقوق‌دانان می‌پذیرند که در کنار اصل خاک و خون دیگری در حال رشد است که اهمیت زیادی دارد و آن اصل «اقامت» است طبق ضابطه اقامت، افراد می‌توانند استحقاق شهروندی را با اقامت در یک کشور بدست آورند.

«هدف‌هایی که مورد نظر ملتی باشند، خواه پست و خواه شریف، برای هر یک از شهروندان آن ملت، اهمیت سرشار دارند، زیرا که او، به حکم شهروندی، باید تا حدی در آن هدفها شرکت جوید، شهروندی در یک اجتماع سیاسی به آدمی هویت می‌

^۱ - علی محمد فلاح زاده، (۱۳۸۶)، «نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر»، مجله حقوقی دادگستری، ج ۵۸، صص ۵۴-۴۷

^۲ - همان، صص ۶۴-۴۷

^۳ - صادق موسوی؛ نرگس عموقلی میرآخوری، (۱۳۸۹)، «بررسی حقوق شهروندی در اسلام با رویکردی بر نظریات امام خمینی (ره)»، نشریه قرآن و حدیث، شماره ۱۳، ص ۱۸.

بخشد، حسب مورد به او هویت قانونی می‌دهد و هویت اخلاقی می‌بخشد، چون اجتماع بزرگی را معین می‌کند که هدفهایش با هدفهای او یکی است^۱».

۲-۲- تعریف حقوق شهروندی

امروزه حقوق شهروندی از اهم مباحث حقوق عمومی مورد توجه تمام ملل است و توجه به این امر مهم هم از جهت استمساک ابزاری و هم از نظر ارزش ذاتی آن، حائز اهمیت خاص است و آن را در شمار مباحث محوری حقوق معاصر قرار داده است. حقوق شهروندی، ناظر به حقوق فطری انسان آزاد است و سلب ناپذیر، غیرقابل تخلف ازلی و ابدی دانسته شده است. تخمین این موهبت سرمدی در جهت تأمین حقوق و آزادی‌های سیاسی انسان دارای اهمیت فوق العاده است و خداوند سبحان آن را در محور تشریح خود قرار داده است. در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیتهای شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت است و همچنین حقوق و امتیازاتی است که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری، دولت یا بطور کلی قوای حاکم می‌باشند، به مجموعه این حقوق و مسئولیتهای «حقوق شهروندی»^۱ اطلاق می‌شود.

حقوق شهروندی اصطلاحی است که در چند سال گذشته در ادبیات حقوقی - سیاسی کشورمان بسیار رواج یافته و در محافل دانشگاهی و میان روشنفکران و صاحبان قلم و اندیشه رونق بسیار پیدا کرده است. این در شرایطی است که بسیاری از مفاهیم رایج در حوزه بحث حقوق شهروندی در کشورهای توسعه یافته زیر مجموعه‌ای از علوم سیاسی محسوب می‌شود و بیشتر ناظر به حقوق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور است و جلوه‌های گوناگونی از این حق را در بر می‌گیرد. حقوق شهروندی در این مفهوم مقید به مرزهای جغرافیایی یک کشور است و نسبت نزدیکی با مقوله تابعیت دارد و کسانی را که در شمول این تابعیت قرار نگرفته باشند در بر نمی‌گیرد^۲.

حال آنکه در کشور ما این اصطلاح با توجه به سبقه و سابقه تمدن و آئین‌ها و مناسک بومی در معنای وسیع‌تر و عام‌تری به کار می‌رود. چنانچه در آثار متفکرانی همچون فارابی از حقوق انسان در عرصه اجتماع با عنوان حقوق مدنی یاد می‌شود و مقصود از آن حقوق انسانها به عنوان شهروندان در بستر ظهور شهرها و تمدن‌های جدید است. از همین جهت است که در کشور ما نیز قانونی با عنوان «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» که در پانزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۳ به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسیده است. این قانون با مسلم تلقی کردن حقوق و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی ایران، در صدد صیانت از آنها برآمده و محتوای آن مربوط به دفاع حقوقی از شهروندان ایرانی در برابر محاکم و ضابطان قوه قضائیه است.

پیش از آنکه اختصاصاً به حقوق قضائی شهروندان و بررسی قانون مزبور بپردازیم ابتدا معنا و مفهوم این واژه، پیشینه، جایگاه و آینده آن را بررسی می‌کنیم. شهروندی مانند بسیاری از مفاهیم، به ویژه مفاهیم سیاسی، ریشه در دوران باستان دارد و طبیعی است که برای بررسی و شناخت مفهوم باید در دوران گذشته کندوکاو کرد و برداشتها و دلالت‌هایی که در این مفهوم در آن زمان بدنبال داشته را بررسی کرد. هرچند سابقه این واژه در کشور ما چندان دور نیست، ولی جوهره اصلی شهروندی امروزی (مدرن) برابری سیاسی است. فراموش نباید کرد که شهروندی علاوه بر حقوق، بر تکالیف نیز دلالت دارد. تأکید بر تکالیف فرد احساس تعلق خاطر شهروندان را به گروه اجتماعی تقویت می‌کند. در هر حال دوسویه بودن اندیشه شهروندی و ابتنای آن بر

^۱ - کارل کوهن، (۱۳۸۷)، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، انتشارات خوارزمی، ص ۱۴۴

1- Citizenship rights and responsibilities

^۲ - محمدعلی اردبیلی و دیگران؛ (۱۳۸۶)، «چیستی و چرایی حقوق شهروندی از نظریه تا قانون»، مجله حقوقی دادگستری، ۵۸، صص ۴۴-۲۴.

حقوق و تکالیف به ویژه توازن این دو، از شاخصه‌های اندیشه جدید شهروندی (پسا نوگرایی) است. در یونان باستان، شهروند کسی بود که حق و تکلیف و شرکت در مجمع همگانی مانند پارلمان را داشت. بنابراین زندگی معمول یک شهروند آتنی پرداختن به تکالیف شخصی نبوده، بلکه پرداختن به تکالیف سیاسی بود و کسی که در آتن به این تکالیف نمی‌پرداخت، نظر مثبتی نسبت به او نداشتند.^۱

اگر بخواهیم حقوق شهروندی رومی را مورد توجه قرار دهیم، شهروند رومی یک دسته حقوق سیاسی- نظامی داشته و یک دسته تکالیف سیاسی- نظامی و نیز یک دسته حقوق مدنی، حق رأی، حق حضور در ارتش و حق انتخاب شدن به عنوان قاضی و حق مالکیت از جمله حقوق سیاسی- نظامی به شمار می‌آمدند. «رأی دادن در حوزه انتخابی مشخص شده، کمک به مخارج نظامی و مالیات دادن جزء تکالیف سیاسی - نظامی به حساب می‌آمدند، حق ازدواج قانونی با یک زن رومی، حق خرید و فروش در سرزمین روم، حق دادخواهی از دادگاههای روم و حق داشتن نام و نام خانوادگی «که این حق از رومی بودن هم مهم‌تر بود» از جمله حقوق مدنی بود»^۲.

به نظر می‌رسد نظریه عدم وابستگی مفهوم شهروندی با تابعیت ارجحیت دارد. وابستگی حقوق شهروندی به تابعیت با فلسفه وجودی حقوق شهروندی در تضاد بوده و باعث محرومیت گروه‌های از انسان‌ها می‌شود. حقوق شهروندی حقوقی است که همه افراد ساکن در یک جامعه باید از آن بهره‌مند باشند. و به‌رحال در دنیای امروزی ما بنظر می‌رسد که تقریباً یک اتفاق نظر جهانی وجود دارد که غیر اتباع کشور از حقوق سیاسی محروم هستند و پیشرفته‌ترین کشورها در این مورد سوئد و هلند هستند که به افراد مقیم غیر تبعه اجازه شرکت در انتخابات محلی را داده‌اند و از این حد فراتر نرفته‌اند. بنظر می‌رسد تسری محرومیت غیرتبعه از حقوق سیاسی، که البته بخشی از حقوق شهروندی است، به سایر حقوق شهروندی، یک تسری ظالمانه و برخلاف عدالت و حقوق انسانی است.

«از دیدگاه اسلام، مفهوم امت اسلامی، قبل از هجرت رسول اکرم (ص) به مدینه فراتر از هرگونه تعلق مرزی، نژادی، قومی، قبیله‌ای تحقق یافته بود. اما با هجرت آن حضرت (ص) به مدینه و تشکیل اولین حکومت اسلامی برخلاف حقوق امروز که تابعیت به معنی پیروی از دولت معیاراست، پیروی خلق از خالق است و مذهب محوریت دارد»^۳. در دیدگاه اسلامی تابعیت بر دو گونه است:

(۱) تابعیت امی و یا اسلامی، همان پیوندی که در پرتو آن فقط افراد مؤمن و مسلمان گرد هم می‌آیند و امت واحدی را تشکیل می‌دهند.

(۲) تابعیت ملی که گردهمائی افراد انسانی با پیوندهایی ملیتی مثل هم‌زبانی، هم‌نژادی، و هم‌فرهنگی است که یک ملت را تشکیل می‌دهد.

در نحوه استفاده از اصطلاح شهروند و شهروندی در مقررات مدون، نظم خاصی حاکم نیست و در قوانین و سایر مقررات در هر دو معنا بکار رفته است. اما به لحاظ محتوایی، در حقوق ایران در بهره‌مندی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در مواردی فرهنگی بین اتباع و غیر اتباع حسب مورد تفاوت‌های جزئی یا کلی وجود دارد.

^۱ - صادق موسوی؛ نرگس عموقلی میرآخوری، (۱۳۸۹)، «بررسی حقوق شهروندی در اسلام با رویکردی بر نظریات امام خمینی (ره)»، نشریه قرآن و حدیث، شماره ۱۳، ص ۱۶.

^۲ - محمدعلی اردبیلی و دیگران؛ ص ۴۴-۲۴

^۳ - همان، ص ۲۴

۳- پیشینه تاریخی شهروندی و حقوق شهروندی

مورخان عموماً توسعه شهروندی را به مراحل مختلف و مجزا تقسیم می‌کنند تا تغییر معنای این مفهوم را از منشا تاریخی در جهان باستان تا دوره مدرنیته و فراسوی آن نشان دهند.

انقلاب آمریکا و جمهوری فرانسه، اعلامیه استقلال آمریکا و اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹ و قانون اساسی ۱۷۹۱ کشور فرانسه که جایگاه برجسته‌ای در تحولات قرن هیجدهم به خود اختصاص داده‌اند در سیر تاریخی حقوق شهروندی نیز نقطه عطفی به شمار می‌آیند.

از اواخر دهه ۱۹۸۰ متفکران چپ، شهروندی را به عنوان یک ایده بالقوه رادیکال پذیرفتند. در حالیکه در گذشته نگرش کلی پیروان تفکر چپ و مارکستی در مورد شهروندی با سؤزن همراه بود. آنها شهروندی را نه راه‌حلی برای بی‌عدالتی‌های سرمایه‌داری، بلکه بخشی از خود مشکل به حساب می‌آوردند. در واقع در نظر آنها حقوق شهروندی به یک منطقی سرمایه‌دارانه آغشته است. در نظر آنها این حقوق به مشروعیت بخشی خصوصی کمک می‌کند.

اصطلاح حقوق شهروندی اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی ۱۷۸۹ فرانسه و برپایه دکترین فیزیوکراتها و طرفداران اندیشه حکومت عوامل طبیعی مطرح شد. طبق ماده ۴ اعلامیه فوق، فقط قانون می‌تواند حد و حدود آزادی‌ها را تثبیت و مشخص کند و این مرزها در اجرای حقوق طبیعی هر انسان فقط توسط قانون می‌توانند تعریف شوند. از نظر اعلامیه، آزادی اصل و قاعده است و محدودیت بر آن استثناء می‌باشد طبق ۵ ماده این اعلامیه «هر امری که توسط قانون منع نشده است، نمی‌توان از انجام آن جلوگیری نمود و نمی‌توان کسی را به انجام آنچه که حکم نشده، مجبور ساخت».

براین اساس دیوید هلد تعریفی از حقوق شهروندی بدست داده است «حقوق شهروندی عبارت است از وضعیتی که به افراد به طور برابر حقوق و تکالیف، آزادی، محدودیت، قدرت و مسئولیت در درون جامعه سیاسی ارزانی می‌دارد»^۱. مطابق این دیدگاه، شهروند کسی است که شایستگی مشارکت در زندگی جامعه سیاسی را داراست. وضعیت شهروندی در جهان جدید به نوعی نشانه‌ی آمیزه‌ای از شایستگی‌ها و حقوق برای مشارکت و دسته‌ای از الزامات و تکالیف است.

۳-۱- پیشینه شهروندی در دوران کهن

حقوق طبیعی از دیرباز در اذهان جای گرفته و فکر بشر را مشغول خویش داشته است. سقراط خداوند را واضع حقوق طبیعی دانسته است. برخی آن را همیشگی و همه جایی می‌دانند و بر آن عقیده‌اند که انسان باید بکوشد تا آن را کشف کند، اجتماع و اراده انسان هم در ساختن آن اثری ندارد.

اولین موضوع در الگوی آتنی (پایتخت یونان) برقراری نظم و صلح در برابر آشفتگی بود. افلاطون در این باره به نگرانی عمیق زئوس هنگام الهام به سروش آسمانی خود، هرمس اشاره می‌کند که در آن زئوس نسبت به طرح در اجتماعاتی که با اغتشاش مواجه شده‌اند ابراز نگرانی می‌کند و از هرمس می‌خواهد که «به انسان‌ها خصایصی همچون کمک به دیگران و درک عدالت را بیاموزد تا بدین ترتیب، نظم به شهرهای ما باز آورده شود و پیوند دوستی و اتحاد ایجاد شود»^۲. موضوع دیگر «در، الگوی آتنی، عبارت از اتحاد مردم با همدیگر برای ایجاد حاکمیت قانون در میان خود به عنوان افرادی برابر بود. مطابق نظر ارسطو، شهروندان دولت را به منظور تضمین بقای خود به صورت اجتماعی خود بسنده در فرآیند مذاکره‌ای که شامل همه شرکت

^۱ - علی محمد فلاح زاده، (۱۳۸۶)، «نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر»، مجله حقوقی دادگستری، ج ۵۸، صص ۶۴-۴۷.

^۲ - استفان کاستلز، آ. دیویدسون، (۱۳۸۷)، مهاجرت و شهروندی، ترجمه تقی لو، فرامرز انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی ص ۱۰۱

کنندگان می‌شد، ایجاد کرده‌اند. به نظر وی زندگی جمعی نیز به همین تعریف سازش‌پذیری با یکدیگر علیه تهدیدات وابسته است. آخرین موضوع قابل توجه در این الگو نیز عبارت از ترویج و دفاع ستیز جویانه از حاکمیت قانون بود^۲. «مفهوم شهروندی همراه با دموکراسی در دولت - شهرهای یونان پدید آمده و در معنای باستانی خود بر مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشته است^۱». شهروند بودن یعنی توانایی حکومت کردن و حکومت شدن که البته این امر برای افراد آزاد امکان‌پذیر بوده است^۱.

«از نظر افلاطون نظم و صلح و از نظر ارسطو تضمین بقا، خود عامل ایجاد دولت - ملت بوده است و شهروندی به طور ضمنی صفت جنگجویی بود^۲». از دیدگاه ارسطو «شهروندان گروهی هستند که برای ایجاد نظم در برابر اغتشاشات و به منظور وضع قوانین برای حصول خیر مشترک «common weal» با یکدیگر همکاری می‌کنند. او تعلق یافتن به این جامعه را از طریق خون در روابط خویشاوندی، امکان‌پذیر می‌داند. همچنین وی معتقد است که اعمال شهروندی اهمیت بیشتری دارد و آن را رکن محوری انسان دانسته و کسی را که در اداره امور جامعه هیچ مشارکتی ندارد، خدا یا حیوان می‌داند^۳».

به باور ارسطو، انسان واقعی باید شهروندی فعال در اداره جامعه باشد. در این گونه جامعه‌ها، شهروندان از آغاز تولد ارزش‌های شهروندی را که بر ارزش‌های باستانی متکی بوده و منشا الهی داشتند، می‌پذیرفتند؛ به طور کلی، دولت - شهر قبل از فرد و لازمه او بود. این نظر حاصل ارتباط نزدیک میان سرنوشت فرد و جامعه بود؛ یعنی، شهروندی خدمت به جامعه تلقی می‌شد «فضیلت مدنی»^۴. در رویکرد مزبور، «شهروند کسی است که شایستگی مشارکت و قدرت و قانونگذاری یا قضاوت را دارد^۵».

در دوران روم باستان، شهروندی به افراد و گروه‌هایی اعطا می‌شد که به روم خدمت می‌کردند؛ یعنی نیروهای امدادی یا قبایلی که در دفاع از مرزهای امپراطوری مفید تلقی می‌شدند. شهروندی رومی شهروندی فعال با اعمال قدرت سیاسی نبود و فقط پاره‌ای حق و تکلیف طبق قانون داشت؛ با وجود این، فراگیر بود و نوعی الیگارشسی نظامی و اقتصادی در آن به وجود آمد که مانع دموکراتیک بودن آن می‌شد و منحصر به بهره‌مندی از دادرسی عادلانه بود. «در قرون وسطی نیز، مدل رومی شهروندی را زنده نگاه داشتند، حاکمیت نظام فئودالیت و شهروندی غیرهمگانی و سلسله‌مراتبی و طبق مالکیت کاملاً هویدا بود؛ ولی با توسعه لیبرالیسم، شهروندی منطق مساوات‌گرایانه به خود گرفت. در آن زمان (دهه هفدهم)، از ویژگی دولت‌ها پادشاهی مطلقه بود که همه چیز در دولت دارای شخصی شاه محسوب می‌شد^۱».

شهروندی که در دوران باستان متولد شد و قدری تکامل یافت، در دوران مدرن نیز دارای تحولاتی بوده و مسیر بیشتری را به سمت تکامل طی نموده است. با پیدایش دولت - ملت‌ها و دولت - کشورها بعد از قرارداد وستفالی (۱۶۴۸ میلادی) و کنگره وین (۱۸۱۵ میلادی) نظام موازنه قوا نیز شکل گرفت و شهروندی اهمیت خاصی یافت. در سده نوزدهم، مفهوم شهروندی مجموعه - ای از حقوق و وظایف بود که رابطه میان دولت‌های ملی و یکایک شهروندان را معین می‌ساخت. در واقع باید گفت که در سده هیجدهم حقوق مدنی و در سده نوزدهم حقوق سیاسی شهروندی را توسعه بخشیدند و در سده بیستم نیز حقوق اجتماعی و اقتصادی شکل گرفت و مردم به مقدار زیاد، به منابع عمومی دست یافتند^۲.

2- Rule OF Law

۱- مارتین لیپیت، هیود، (۱۳۸۳)، دایره المعارف، دموکراسی، ترجمه فانی، کامران و مرادی نوراله، جلد دوم، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ص ۹۵۰

۲- استفان کاستلز، آ. دیویدسون، همان، صص ۱۰۴-۱۰۱

۳- کیت فالکس، ۱۳۸۱، شهروندی، ترجمه دلفروز، محمدتقی چاپ غزال، تهران ص ۲۹۰

۴- civil virtue یا همان فضیلت مدنی منشاء آزادی و افتخار بود.

۵- برونو برناردی، (۱۳۸۲)، مردم سالاری در تاریخ و اندیشه غرب، ترجمه باقری، عباھی، نشرنی ص ۲۱

۱- استفان کاستلز، آ. دیویدسون، پیشین، ص ۱۱۵

۲- تشکیل دولت رفاه (welfare state) پس از جنگ جهانی دوم تلاشی بود در جهت تحقق حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان در عین این که دولتها به سنت لیبرالی نیز وفادار ماندند

انقلاب فرانسه تأثیرهای مهمی در این مفهوم داشته است. انقلاب فرانسه دولت - ملت را با شهروندی ترکیب کرد و حقوق بین الملل آن را معادل ملیت به کاربرد؛ یعنی، عضویت در یک دولت.

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در «ماده ۱۵»^۱ خود حق افراد را نسبت به تابعیت به رسمیت شناخته است. در واقع این شناسایی به منظور بهره‌مندی افراد از حقوق شهروندی و برخاسته از این رویکرد است که شهروندی با تابعیت پیوند نزدیک دارد؛ به نحوی که، در دوران معاصر، شهروندی مفهوم برخورداری از حق رأی، تصدی سمت‌های سیاسی، بهره‌مندی از برابری در مقابل قانون، استحقاق بهره‌مندی از مزایا و خدمات مختلف حکومتی را به خود گرفته است که تعهداتی همچون پیروی از قانون، پرداخت مالیات و دفاع از کشور را بدنبال دارد.

گرچه بحث شهروندی از زمان یونان باستان به ویژه از زمان ارسطو به منابع و متون راه یافته است، لیکن تدوین شهروندی به معنای جوهری آن، مدیون تلاش تی-اچ مارشال^۲ در ۱۹۵۰ میلادی است. او با تأکید بر حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی کوشیده تا فهرستی از تمامی حقوق ناشی از آن سه دسته حقوق ارائه دهد. در این راه او حقوق اجتماعی را مطرح و برجسته ساخت.

از آنجا که به ویژه در آتن، شهروندان جامعه سیاسی را شکل می‌دادند، عامل وحدت جامعه مدنی و جامعه سیاسی و دولت محسوب می‌شدند. برپایه همین سابقه هنگامی که جان لاک از «حکومت مدنی»، رسو از «دولت مدنی» و کانت از «Ryerlich gesellschaltub» یاد می‌کردند، در واقع دولت را در ذهن داشتند؛ دولتی که مفهومی فراگیر داشت مانند پولیس یونان، کل حیطه سیاسی را در بر می‌گرفت.

۲-۳- پیشینه شهروندی در ایران

در ایران بر خلاف اروپا که شهروندی در آن سابقه طولانی دارد، تا قبل از انقلاب مشروطیت، نشانی از شهروندی به مفهوم امروزی نمی‌توان یافت و از زمان ایجاد تمدن در ایران از احترام به حقوق شهروندان به معنای آنچه امروز مد نظر است خبری نبود. رعایت حقوق شهروندی از سوی دستگاه حاکم از آغاز انقلاب مشروطه شروع شده و بتدریج گسترش یافته و رشد نموده و هیچ‌گاه رشد آن متوقف نشده است.

تا چندی پیش در ایران، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می‌گردید و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می‌شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهری می‌دیدند. «حقوق شهروندی دستاورد بشریت از هزاره‌های تاریخ گذشته است و ریشه‌های آن در آموزه‌های دینی ما به خوبی مشهود است. ساختارهای متعدد بین‌المللی و ملی برای حمایت از آن ایجاد شده است»^۳. اما استفاده از واژه شهروندی یا حقوق شهروندی در سالهای اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی دید جامع‌تری یافته است. اشتیاق بشریت به احترام، تسامح و تساهل و برابری راه درازی را در تاریخ طی کرده است، اما نکته جالب در این زمینه این است که جوامع ما در زمینه‌های بسیاری در حوزه‌های فنی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی گامهای بلندی را برداشته است.

^۱ - ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر: ۱- هرکس حق دارد دارای تابعیت باشد، ۲- احدی نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

2-T. H. Marshal

^۳ - صادق موسوی؛ نرگس عموقلی میرآخوری، (۱۳۸۹)، «بررسی حقوق شهروندی در اسلام با رویکردی بر نظریات امام خمینی (ره)»، نشریه قرآن و حدیث، ص ۱۱.

یکی از این گامها در سال ۱۳۸۳ با تصویب قانونی با عنوان «احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» توسط مجلس شورای اسلامی برداشته شد. این قانون ابتدا تحت بخشنامه‌ای از سوی رئیس وقت قوه قضائیه ابلاغ و سپس همین بخشنامه با تغییر اندکی به قانون تبدیل گشت. رئیس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی، وضع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضائی بوده است.

تصویب سریع این قانون در مجلس و تأیید فوری آن توسط شورای نگهبان فی نفسه حاکی از آن است که در این زمینه‌ها مشکل اساسی وجود داشته است که اقتضاء تنظیم و تصویب چنین قانونی را می‌نموده است. ولی در واقع این قانون تنها تکرار اصول و حقوق مندرج در قانون اساسی و برخی از مواد قوانین کیفری و همان آئین دادرسی منصفانه است و موارد چندان جدیدی را مطرح نمی‌کند.

بنابه تصور غالب در ایران در تحقق و نقض حقوق شهروندی، دولت عامل اصلی است. در این تلقی، اگر حقوق، از جمله حقوق شهروندی در جامعه محقق شده است، باید آن را ناشی از اراده دولت دانست؛ و اگر جامعه نتوانسته است از سطوح مناسب حقوق شهروندی برخوردار و بهره‌مند شود ناشی از ضعف دولت بوده است. این نوع نگاه، که به صورت‌های مختلف در اندیشه سیاسی- اجتماعی- حقوقی ایران از دیرباز رواج بسیار داشته است، نقش و اهمیت مناسبات اجتماعی در شکل‌گیری و تحول ساختار حقوقی را نادیده می‌انگارد.

۴- ضرورت حقوق شهروندی

در این مبحث به ضرورت، چرایی حقوق شهروندی، مفهوم و قلمرو آن پرداخته شده است.

۴-۱- چیستی و چرایی حقوق شهروندی از نظریه تاقانون

حقوق شهروندی، هر چند اصطلاحی شناخته شده است اما مفهوم و قلمرو عینی آن کمتر مورد بازکاوی قرار گرفته است. در ادبیات حقوقی امروز ایران، شاید تصویب قانون مشهور به قانون حقوق شهروندی که بر گرفته از یکی از بخش نامه‌های رئیس قوه قضائیه بود، نقطه عطفی در مطالعه این عنوان در مجامع علمی و اجتماعی رقم زده است. طرح موضوع حقوق شهروندی از این جهت در جامعه ما اهمیت دارد که بار دیگر بتوانیم موقعیت افراد را در بهره‌مندی از مزایا و امتیازات اجتماعی محک زنییم. در مفهوم شهروندی تکلیف اهمیت زیادی دارد. اگر نگوئیم شهروندی اساساً تکلیف بنیاد است، حداقل در مفهوم آتنی آن تکالیف هم سنگ حقوق اهمیت داشته است.

اصولاً مفهوم شهروندی با جمهوریت هم زبانی و هم دلی دارد. رنسانس آتن دوره باز تولید مفهوم شهروندی است. اما قرون وسطی دوره افول مفهوم شهروندی به جهت همزادی شهروندی با دموکراسی است. در یونان باستان، شهروند کسی بود که حق و تکلیف و شرکت مؤثر در مجمع همگانی مانند پارلمان داشت. در روم، شهروند رومی، یک دسته حقوق مدنی، حق رأی، حق عضویت در ارتش و حق انتخاب شدن به عنوان قاضی و حق مالکیت از جمله حقوق سیاسی و نظامی بود.

ولی ما امروز شاهد تضعیف احساس شهروندی در تعهدات سیاسی هستیم، دیگر نمی‌توان تضمین کرد که ملت دموکراتیک مدرن همانگونه که در گذشته قابلیت حفظ پیوند اجتماعی را داشت، در آینده نیز قادر به حفظ این پیوندها باشند. «اینگونه به نظر می‌رسد که دیگر برای دموکراسی‌ها این امکان وجود ندارد که از شهروندان خود بخواهند که به بهای جان خود از آنها دفاع نمایند، از آنجا که اکنون افراد و منافع آن‌ها جایگزین شهروندان و آرمان‌های آن‌ها شده است. دیگر هیچ نوع فداکاری شایانی

در راه دموکراسی اتفاق نخواهد افتاد^۱». امروزه، مساله حکمرانی خوب^۲ در جهان مطرح است. اصول حکومت خوب عبارتند از: اجرای قانون، شناخت و پاسخگویی در امور عمومی، احترام به حقوق بشر و مشارکت همه شهروندان در تصمیمات مؤثر در زندگی آنان.

در یک نظام سیاسی، امروزه تربیت شهروندی، یکی از فروع حقوق شهروندی است که با توجه به تحولات سریع اجتماعی، فن آوری سیاسی دوران معاصر، از جمله دل مشغولی‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت کشورهای جهان به شمار می‌آید.

در کشورهای توسعه یافته، مفاهیم شهروندی از دوران کودکی تا نوجوانی آموزش داده می‌شود و دولت نیز آموزش‌های لازم را در اختیار والدین و معلمان قرار می‌دهد.

در کشور انگلیس از سال ۲۰۰۲ میلادی، آموزش شهروندی و آشنایی با آن به طوری رسمی در برنامه درسی مدارس سنین ۱۱ تا ۱۶ سالگی قرار گرفته است.

اهداف این آموزش‌ها عموماً موارد ذیل است.

۱- آشنایی با حقوق و مسوولیت‌های شهروندی

۲- بحث و بررسی درباره سرفصل‌های مهم شهروندی

۳- فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیت‌های اجتماعی

۴- مشارکت فعال در یک برنامه اجتماعی یا گروهی

ولی «در ایران به عنوان مثال کودکانی که یکی از والدین آنها شهروند کشورهایمانند افغانستان و پاکستان باشد با مشکل شهروندی روبرو هستند. سالانه ۱۲ هزار دختر ایرانی با اتباع بیگانه ازدواج می‌کنند. به استناد آمارهای منتشر شده ۳۲ هزار فرزند حاصل از ازدواج دختران مشهد با اتباع بیگانه بدون شناسنامه هستند^۱».

امروزه حتی در کشورهای توسعه یافته که دارای قوانین شهری نسبتاً کاملتری می‌باشند باز درصد هر چه بهتر به روزکردن قوانین خود برآمده‌اند. به عنوان مثال در کشور فرانسه که قوانین آنها با عنایت بر نظام اداری و عدم تمرکز از مقبولیت بسیار خوبی برخوردار است، باز هم توجه به اصلاح قوانین حقوق شهروندی در دستور کار نهادهای ذیربط قرار گرفته است.

مجلس سنای فرانسه در سال ۲۰۰۰ میلادی، برای مدرنیزاسیون نظام حقوق شهر شهروندی کارگروه «ساده سازی» تشکیل داده. این کارگروه با تهیه گزارش خود بر چندین جنبه تاکید داشت؛ من جمله تلاش برای کاهش دعاوی و شکایت علیه شهروندان و تلاش برای تکمیل و غنی‌سازی و عملکرد نظام دادرسی در حوزه حقوق شهروندی.

۲-۴- رابطه حقوق شهروندی و حقوق بشر

با توجه به فراگیر بودن حقوق بشر و حقوق شهروندی و مشابه بودن مصادیق هر یک، نسبت به بررسی رابطه میان این دو می‌پردازیم.

رشد و توسعه روزافزون حقوق شهروندی باعث شده که مرز میان حقوق شهروندی و حقوق بشر نامشخص شود. دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص حقوق بشر و حقوق شهروندی ارائه شده که این دیدگاهها را بررسی می‌نمائیم.

^۱ - شوناپز، (۱۹۹۴)، به نقل از: استغان کانسلر، آ. دیوید سون، پیشین، ص ۲۱۱

^۲ Good Governance

^۱ - روزنامه کیهان، دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۵، ۳ ربيع الثاني ۱۴۲۷، اول می ۲۰۰۶ سال شصت و چهارم شماره ۱۸۵۰۵

حقوق بشر که به زبان فرانسه *droits del' ihomme* و به انگلیسی *human rights* و به عربی حقوق الانسان نامیده میشود. نوشته‌های حقوقی و سیاسی نیز مشحون از واژه‌های است که معناها و ارزش‌های متعددی را به خواننده منتقل می‌نماید.

«باید اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد (۱۹۴۸ میلادی) را که حداقل برخی از حقوقی دعاوی را به منزله حقوق بشر مستند می‌نمایند، به مثابه «یک میزان مشترک دست آورد برای تمام خلق» تلقی کرد، می‌توان چنین استنباط کرد که این حقوق بشر بیانگر حاجات اساسی بشر است، «به صورت مطالباتی از دیگران و عموماً دولت^۱».

این حاجات اساسی و حقوق بشر معاصر، ریشه‌ای عمیق در وجدان اخلاقی بشر دارد. سنت حقوق طبیعی که بیانگر، نقطه آغاز ریشه اخلاقی حقوق بشر معاصر است. حقوق طبیعی هم در سنت‌ها و گفتمان دینی و هم در چهار چوب عقل و مواد غیردینی طرح شده است. حقوق طبیعی بار دیگر در دوره پس از روشنگری، حقوق بشر را به جنگ استبداد آورد و جان و رنگ و بویی تازه به خود گرفت.^۲

شاید بهترین تعریفی که بتوان از حقوق بشر بدست آورد؛ این تعریف باشد که «حقوق بشر حقوقی هستند که افراد از جهت انسان بودن خود مستحق بهره‌مندی از آنها هستند؛ این حقوق برداشتی نوین و غیرمذهبی از حقوق طبیعی که خدادادی‌اند، قلمداد می‌شوند^۳».

بدین ترتیب حقوق بشر جهانی، بنیادین و مطلق انگاشته شده است، جهانی بودن آنها بدین معنا است که صرف نظر از تابعیت، ریشه قومی و نژادی، مبنای اجتماعی و غیره، به همه انسان‌ها در هر کجا که باشند تعلق دارند. بنیادین بودن آنها از این جهت است که غیرقابل سلبند: ممکن است حقوق بشر نادیده گرفته شده یا نقض شوند، اما حق انسان نسبت به بهره‌مندی از این حقوق را نمی‌توان از میان برداشت. مطلق بودن آنها از این حیث است که این حقوق را نمی‌توان مشروط ساخت؛ چرا که به مثابه سنگ زیرینی که لازمه بنا نهادن حیاتی شایسته شأن انسان است، تلقی می‌شود.

۱-۲-۴- حقوق بشر اعم از حقوق شهروندی

ظاهراً تعیین نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر پس از تبیین و تفسیر تاریخی و ترسیم اجمالی مفهوم و مبنای آنها کاری سخت نخواهد بود. اگر ایده بنیادی شهروندی را حق تعیین سرنوشت بدانیم؛ یعنی اینکه حقوق شهروندی در پی تضمین سرنوشت هر شخص در اجتماع خود (زندگی اجتماعی)، تعیین حقوق و منافع برای او به واسطه شهروندی است، آن گاه شهروندی و تحقق حقوق مربوط به آن پیوند وثیقی با مشارکت شهروندان برای تعیین سرنوشت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود خواهد داشت. طبق این دیدگاه، حقوق بشر بدلیل جهان شمولی و فراگیری، همه حقوق دیگر را شامل می‌شود بنابراین حقوق شهروندی نیز جزئی از حقوق بشر است.

^۱ - ولوین، اندرد، (۱۳۸۰) طرح و نقد نظریه لیبرال دموکراسی، ترجمه، زیباکلام، سعید، انتشارات سمت، ص ۱۶۹

^۲ - سید محمد قاری سید فاطمی، (۱۳۸۲)، «حقوق بشر در جهان معاصر»، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۴۹

^۳ - ژاک، مورژتون، (۱۳۸۰) حقوق بشر؛ ترجمه، نقیب زاده، احمد، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ص ۱۰۰

۲-۲-۴- حقوق بشر مساوی حقوق شهروندی

مطابق این نقطه نظر، حقوق شهروندی همان حقوق بشر و در واقع برداشتی دیگر از حقوق فطری و طبیعی انسان است، طرف های حق در سیستم شهروندی عبارتند از اتباع دولت یا شهروندان. در واقع شهروندی طرح ریزی سیستمی است اجتماعی برای مدیریت اجتماعی. همه افراد در مقابل همه افراد مسئولند و اصل شهروندی نیز همان مصادیق حقوق بشر است که در لباس و هیأت حقوق شهروندی ظاهر شده و جنبه سیاسی پیدا کرده است.

۳-۲-۴- حقوق شهروندی اعم از حقوق بشر

حقوق شهروندی به دلیل گستردگی در عصر جدید فراتر از حقوق بشر گردیده و علاوه بر حقوق بشر، حقوق دیگری را نیز شامل می شود که لازمه زندگی در عصر جدید و پیشرفته است.

حقوق شهروندی یا حقوق مربوط به شهروندی بیشتر ماهیت جمع گرایانه دارند تا فردگرایانه. برای مثال، حق مشارکت در امور سیاسی جامعه و حق رأی دادن و حق تحزب حداقل همگی در سطح استیفا و اجرا، ماهیتی جمع گرایانه دارند. اعمال حقوق شهروندی نیازمند بهره مندی از حقوقی است که آن را به عنوان حقوق بشر می شناسیم و بسیاری از این حقوق را میثاق ها و قطعنامه های بین المللی شناسایی و تضمین کرده اند، بنابراین حقوق شهروندی لاجرم گسترده تر از حقوق بشر است.

۴-۲-۴- حقوق بشر جدا از حقوق شهروندی

از این دیدگاه حقوق بشر جدا از حقوق شهروندی است؛ چرا که حوزه حقوق شهروندی محدود به سرزمین دولت - ملت است، زیرا رکن اساسی شهروندی مفهوم عضویت است، در حالیکه حقوق بشر داعیه جهان شمول دارد و چنین رکن هایی را در بهره مندی از حقوق و آزادی ها دخالت نمی دهد.

از آنچه گفته شده نباید چنین برداشت کرد که نسبت حقوق بشر و شهروندی و حقوق مربوط به آن نسبتی متباین است و این دو مفهوم هیچ ارتباطی با هم ندارند. در نگاهی دقیق تر، به معناهای فلسفی این دو حق، مبانی مشترکی خواهیم یافت: برابری، آزادی، خود مختاری انسان. اعمال حقوق شهروندی، مستلزم پشتیبانی و تضمین کننده اصلی توسط دولت ها است. فی الواقع، می توان گفت که حقوق مدنی و سیاسی منطقه هم پوشانی است که حقوق بشر و حقوق شهروندی را به هم مرتبط می نماید؛ زیرا، حقوق مدنی که از تمامیت جسمانی و معنوی فرد حمایت می نمایند؛ یا حقوق سیاسی که فرد را برای مشارکتی توانمند در زندگی سیاسی آماده می نماید، فصل مشترک حقوق بشر و شهروندی است.

البته، با توجه به تغییرات تاریخی ارائه شده، ماهیت حقوق شهروندی به حقوق سیاسی که مربوط به حق تعیین سرنوشت است و اغلب با مشارکت مختص می شود قرابت بیشتری دارد ولی سرچشمه های هر یک جدا است، شهروندی سیستمی است اجتماعی و سیاسی برای محدودسازی دولت و مدیریت اجتماعی و حقوق بشر مفهومی کاملاً هنجاری و اخلاقی است. با وجود این قرابت شهروندی و حقوق بشر بیشتر و عمیق تر است؛ چرا که ایده بنیادی در شهروندی حق تعیین سرنوشت است.

۵- قلمرو حقوق شهروندی

بعد از مشخص شدن تعریف شهروندی و تاریخچه آن و رابطه بین حقوق بشر و حقوق شهروندی، باید دید شرایط احراز جایگاه شهروندی چگونه است، حقوق و تکالیف شهروندی چیست و قلمرو حقوق شهروندی تا کجاست.

همانطوری که گفته شد، شهروندی در رابطه با دولت تعریف و توصیف می‌شود، عضویت که به تابعیت اطلاق می‌شود، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، تابعیت رابطه میان فرد و دولت است، تابعیت محقق نمی‌شود مگر اینکه دولت و فرد وجود داشته باشد. اشخاص حقیقی می‌توانند موضوع بحث و تابعیت قرار گیرند. هر چند تابعیت اشخاص حقوقی یک تابعیت حقیقی نیست اما بهر حال شهروندی هم شامل اشخاص حقیقی است و هم شامل اشخاص حقوقی.

از سوی دیگر دولتها، فقط صلاحیت اعطاء یا سلب تابعیت را دارند، دولت تشخیص می‌دهد که چه شخصی می‌تواند تبعه آن کشور باشد. افراد در این خصوص هیچ حقی ندارند و هیچ دولتی هم مکلف نیست که شخصی را به تابعیت خود بپذیرد، بلکه این دولتها هستند که با در نظر گرفتن مصالح خود، افرادی را تابع خود بشمارند. در حال حاضر تمام دولتها این اصل را پذیرفته‌اند که تمام اتباع یک دولت بایستی تحت یک رژیم حقوقی و دارای حقوق مساوی باشند.

«تابعیت یکی از مباحث اصلی حقوق بین‌الملل خصوصی است و مبانی آن عبارتند از:

- هر فردی می‌بایست تابعیتی داشته باشد و شخص بدون تابعیت نباید باشد.

- هیچ کس نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد.

- تابعیت یک امر همیشگی و زوال ناپذیر است^۱».

«هر انسان وقتی چشم به این جهان می‌گشاید، ناگزیر تابعیت دولتی به او تحمیل می‌شود. این امر یک قانون اجتماعی است و امروزه، دولتها اتفاق نظر دارند که این تابعیت از بدو تولد ایجاد می‌شود^۲».

۶- مصادیق حقوق شهروندی

از تعاریف مربوط به حقوق شهروندی، انواع آن قابل استنباط است. تونر در این زمینه معتقد است «شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و وظایف است که دست‌یابی هر فرد به منابع اجتماعی و اقتصادی را تعیین می‌کند، و شهروندی موقعیت اعطا شده به اعضای کامل اجتماع است^۱».

«جامعه‌شناسی به نام تی . اچ . مارشال شهروندی را به سه عنصر مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌کند، مارشال به تضاد میان برابری سیاسی صوری و تداوم نابرابری اجتماعی و اقتصادی در جامعه سرمایه داری اشاره می‌نماید. اعضای طبقه کارگر در بریتانیا دارای حق رأی شده بودند، ولی فقر و ناامنی می‌توانست مانع از مشارکت کامل آنها در اجتماع شود.^۲»

برخلاف نظریاتی که اساس حقوق شهروندی را مبتنی بر تبعیضی بین تبعه و بیگانه می‌دانند. در سخنانی که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است، مساوات و عدم تبعیض محوریت دارد. این محوریت، با نظریاتی که حقوق شهروندی را برای تمامی ساکنین جامعه، صرفنظر از تابعیت، رنگ، نژاد، لازم می‌دانند، مطابقت دارد.

مارشال به تفکیک موضوع حقوق شهروندی پرداخت که در یک توالی تاریخی توسعه یافته‌اند؛ نوع اول این حقوق، حقوق مدنی که در قرن هیجدهم به صورت «حق سلبی^۳» قلمداد کرد شامل آزادی فردی در برابر تجاوز غیرقانونی دولت به مالکیت خصوصی، آزادی شهروندی شخصی و عدالت بود. حقوق مدنی از قرن نوزدهم به بعد به «حالت ایجابی^۴» پیوند خورد که به

^۱ - محمد نصری (۱۳۷۷) حقوق بین‌المللی خصوصی، چاپ پنجم، انتشارات آگاه ص ۳۲

^۲ - همان ص ۴۴

^۳ - اس. ترنر، برایان، (۱۳۸۶)، مفهوم شهروندی، ترجمه کارگزاری، جواد، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۸، صص ۱۷۰-۱۵۳

^۴ - همان، ص ۱۵۴

3- Negative Rights

4- Positive rights

واسطه آن شهروند فعال می‌توانست در شکل‌گیری افکار عمومی و تصمیم‌گیری سیاسی مشارکت جوید. حقوق اجتماعی، در قرن بیستم توسعه یافت که از مجرای آن شهروندان را به واسطه اصول استاندارد مشخصی از نظر رفاه و اجتماعی و اقتصادی، چه به وسیله حق کار و چه تأمین رفاه، مورد حمایت قرار داده‌اند. این حقوق اجتماعی بدین علت حائز اهمیت حیاتی بود که به اعضای طبقه کارگر فرصت مشارکت حقیقی در جامعه به عنوان شهروند را می‌داد، حقوق شهروندی براساس تقسیم‌بندی مارشال به قرار زیر است.

۱-۶- حقوق سیاسی

حق آزادی بیان، و عقیده و آزادی عمل در انجام اعمال مذهبی توسط اقلیت‌ها از جمله مهم‌ترین حقوق شهروندی است. این حقوق در واقع حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای آزاد حکومت ضروری است. این حقوق به طور کلی موارد مقابل را شامل می‌شود^۱: حق رأی و تصویب مسئولیت در سطوح مختلف حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن و آزادی اطلاعات موضوع آزادی و احترام به عقیده و محکومیت اصل اجبار و تحمیل، تنها ویژه مسائل اعتقادی نبوده و در عمل نیز جاری است. منع تجسس، حفظ آزادی‌های فردی و حفظ حریم خصوصی اشخاص، گرچه می‌تواند جزء حقوق مدنی باشد، اما علاوه بر جنبه‌های حقوقی مدنی، دارای جنبه‌های حقوقی سیاسی نیز می‌باشد. در حقوق ایران، طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کسی را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده-ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد». همچنین طبق اصل ۲۶ «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچ‌کسی را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. با توجه به قانون و مقررات انتخابات و نیز قانون فعالیت احزاب در جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت که بیگانگان از حق رأی دادن و یا انتخاب شدن و نیز از حق تشکیل احزاب و یا انجمن‌های سیاسی و نیز فعالیت سیاسی ممنوع هستند. در حالیکه در بند یک ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است «هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید». با توجه به عبارت «کشور خود» می‌توان گفت که اختصاص حق فعالیت‌های سیاسی به اتباع و محرومیت خارجیان از آن، در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است.

۲-۶- حقوق اجتماعی

حقوق اقتصادی - اجتماعی که از آن به «عضویت کامل در عرصه اجتماعی جامعه» نیز تعبیر می‌شود، موارد زیر را در بر می‌گیرد: حق مالکیت، حق کارکردن، برابری در فرصت‌های شغلی، حق بهره‌مندی از خدمات اجتماعی - بهداشتی، بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و استاندارد زندگی متناسب برای شخص و حمایت از شخص در مواقع بیکاری، پیری و از کار افتادگی. بسیاری از حقوق اجتماعی توسط دولت تأمین و تضمین می‌شدند و از این رو به صورت نزدیکی به سیاستگذاری اجتماعی وابسته است. گسترش حقوق اجتماعی اساسی آن چیزی است که «دولت رفاه» نامیده شده است، دولتی که دقیقاً از جنگ

^۱ - پیشین، صص ۱۷۰-۱۵۳

جهانی دوم به بعد در جوامع غربی پا گرفته است. دولت رفاه در جایی وجود دارد که سازمان‌های حکومتی برای کسانی که توانایی تأمین زندگی خود را به قدر کافی از طریق اشتغال مفید ندارند. از مزایای عادی فراهم می‌کنند، امروزه بسیاری از کشورها خدمات رفاهی گسرده‌ای به شهروندان خود ارائه می‌دهند.

البته دستیابی به شهروندی کامل برای اقلیتها، مستلزم وجود حقوقی فراتر از مثلث حقوق مدنی، سیاسی، و اجتماعی است که مارشال آنها را پیش‌بینی می‌کند.

مهمترین این حقوق، حقوق فرهنگی است و می‌تواند شامل موارد ذیل باشد.

- دستیابی کامل به فرهنگ و زبان اکثریت
- حق حفظ زبان‌ها و فرهنگ‌های اقلیت
- حق داشتن سنتها و شیوه‌های زندگی متفاوت
- حق برابری آموزشی
- حق داشتن ارتباطات بین فرهنگی و بین‌المللی

این حقوق به ویژه با توجه به تنوع قومی- فرهنگی، فزاینده‌ای که با جهانی شدن همراه شده است اهمیت پیدا می‌کند. تأمین اجتماعی نقش مهمی در رفاه برای افراد دارد. مجموعه اقدامات سازمان یافته‌ای که جامعه برای حمایت از اعضای خود به هنگام تنگناهای اقتصادی و اجتماعی مانند بیکاری، بیماری، و پیش‌بینی و انجام می‌دهد تأمین اجتماعی نامیده می‌شود. در ماده ۸۸ قانون چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بند هـ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف شده است تا در «طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات سلامت شهروندان ایرانی» افراد غیر ایرانی از نظام جامعه اطلاعات سلامت جامعه خارج شود و یا در تبصره ماده یک قانون بیمه بیکاری مصوب ۱۳۶۹/۶/۲۶ مجلس شورای اسلامی ایران اتباع خارجی صراحتاً از شمول این قانون مستثنی شده‌اند و در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۲/۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی بهره‌مندی شهروندان خارجی مقیم ایران، منوط به رعایت شرایط عمل متقابل و نیز در چهار چوب مقاوله‌نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی مصوب است.

۳-۶- حقوق عمومی

این حقوق شامل موارد متعددی است مثل حق آزادی، مصونیت از تعرض، ممنوعیت براساس جنس و به طور کلی مشتمل بر موارد زیر است: آزادی و مصونیت از تعرض، آزادی بیان، آزادی مذهب، حمایت از شخص در برابر اقدامات غیر قانونی دولت، برابری در قبال قانون.

این حقوق در قوانین اساسی دولتها و قوانین مدرن تضمین می‌شوند. این ضمانت‌ها بیانگر منازعه تاریخی علیه قدرت خودکامه پادشاهان و مستبدان است. اصل بر این است که این حقوق برای همگان، گذشته از موقعیت شهروندی یا اقامت آنان‌ها در یک کشور، قابل صدق است، چنانچه حتی گردشگرانی که از یک کشور دموکراتیک عبور می‌کنند، نیز باید از این حمایتها برخوردار باشند.^۱

در حقوق ایران نیز بر اساس اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی اقلیت‌های کلیمی، زردتشتی و مسیحی در احوال شخصیه، مثل ازدواج، طلاق، ارث، نفقه مهریه تابع مذهب خودشان هستند و طبق قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه باید

^۱ - موتمنی طباطبایی، منوچهر، (۱۳۸۲)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۹.

محاکم و دادگاهها به موجب رأی وحدت رویه شماره ۳۷-۱۳۶۳/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مذهب آنها را به رسمیت بشناسند.

۴-۶- حقوق قضایی

بهره‌مندی از اصل برائت، حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضائی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله قضائی، اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها، حق جبران خسارت ناشی از اشتباهات قضائی، حق انتخاب وکیل از مهمترین حقوق قضائی شهروندی محسوب می‌گردد.

این قسم از حقوق شهروندی، که حقوق ناشی از عدالت قضایی است، نقش برجسته‌ای در سیره نبوی دارد. رسول اکرم (ص) می‌فرماید «عدل ساعه خیر من عباده سنه» یک ساعت عدالت از یک سال عبادت بهتر است.

در حقوق ایران نیز در اصل ۳۶ قانون اساسی، دادخواهی حق مسلم تمامی افراد ذکر شده است. اصول دادرسی منصفانه برای یک شهروند، حقوقی در واقع همان دسته از حقوق بشری است که در دستگاه و فرایند عدالت به ویژه عدالت کیفری لازم الرعایه‌اند. هر یک از این حقوق در قانون اساسی یا قوانین عادی مورد حمایت قرار می‌گیرند.

بیشتر از همه حق حاکمیت اصل قانون بودن جرم و مجازات است که بیان می‌دارد اصل بر اباحه اعمال است و هیچ عملی جرم نیست مگر آنکه قبلاً بوسیله قانون ملی تشریفات مقرر، جرم اعلام شده باشد، همین طوارصل بر برائت است و هیچ کسی را نمی‌توان به مجازات رساند مگر آنکه مجازات در قانون تصریح شده باشند.

۷- حقوق شهروندی از منظر قوانین و فرمان مشهور امام خمینی (ره)

در این مبحث کوشش می‌نمائیم که با توجه به مباحث پیشین در باب حقوق شهروندی وضعیت این حقوق و جایگاه آنها در ایران بررسی کنیم. در این راستا به قوانین مدنی چون قانون اساسی، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سایر قوانین مرتبط، تکیه نموده است به طور به بررسی آنها پرداخته شده است.

۱-۷- حقوق شهروندی در قانون اساسی

حقوق شهروندی به طور عمده شامل تمام حقوق فردی است، که توسط قانون اساسی برای شهروندان هر کشور تعیین و تضمین شده است.

پاسخگو بودن هر دستگاه حکومتی در مقابل شهروندان، از جمله حقوق شهروندی به شمار می‌رود. حقوق شهروندی، حقوقی است که نظام اجتماعی به مثابه پیمان بین خود و شهروندان و جامعه جهانی به رسمیت شناخته است.

اصل بیستم قانون اساسی با تصریح به اینکه «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دادند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» زمینه گسترش و توسعه حقوق همه افراد را فراهم کرده است. عبارت حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی و به طور خاص در این اصل مانند سایر عبارت‌های مشابه مبهم است.

در ابتدای امر، ممکن است معنای اتباع از واژه ملت به ذهن متبادر شود که قانونگذار به مفهومی فراتر از اتباع توجه داشته است.

برای مثال، حق آزادی شغلی (اصل ۱۲۸) منع بازداشت خودسرانه (اصل ۱۳۲) منع اقامت اجباری (اصل ۳۳)، فرض بی‌گناهی، (اصل ۳۷)، منع شکنجه (اصل ۳۸)، منع هتک حرمت (اصل ۳۹)، و منع اضرار به غیر (اصل ۴۰)، از مواردی‌اند که نمی‌توان آنها را به اتباع ایران محدود کرد. افزون بر این، عبارت «حقوق انسانی» در اصل بیستم قانون اساسی گویای مفهومی فراتر از حقوق اتباع ایرانی بوده و تلقی نخستین از آن حقوق بنیادینی است که هر انسانی به صرف انسان بودن خود از آن بهره‌مند می‌شود.

قوه قضائیه، به منزله قوه‌ای مستقل، نهادی پیشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق عدالت بر پایه قانون اساسی، عهده‌دار وظایفی شده که مهم‌ترین آن در بندهای پنج‌گانه اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی بر شمرده شده است. برپایه بند دو این اصل «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» یکی از مهم‌ترین وظایف قوه قضائیه است که یکی از مجاری اعمال آن در بند دو اصل ۱۵۶ قانون اساسی «تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی ایران» در نظر گرفته شده است.

عبارت «حقوق عامه» در این بند، نیز مانند حقوق ملت مفهوم مشخصی ندارد. از یک سو می‌توان حقوق عامه را معطوف به حق‌های فرد فرد انسان‌ها، شامل همه حق‌های متعلق به افراد انسانی دانست و از سوی دیگر، می‌توان حقوق عامه را در معنای حق‌های جمعی عامه مردم به کار گرفت.

در معنای اخیر «حقوق عامه» فقط در برگیرنده حق‌هایی مانند بهره‌مندی از میراث مشترک بشریت بهره‌مندی از کمک‌های بشر دوستانه، بهره‌مندی از محیط زیست سالم و موارد مشابه است که ویژگی آنها بهره‌مندی و مسئولیت همگانی در قبال تحقق آنها است. در حقیقت، این تلقی مفهوم حقوق عامه را به مفهوم همبستگی یا همان فصل سوم حقوق بشر بسیار نزدیک می‌سازد.

به نظر می‌رسد که تدوین‌کنندگان قانون اساسی با استفاده از عبارت «احیای حقوق عامه» بر این باور بوده‌اند که حقوق عامه مردم در نظام سیاسی پیش از انقلاب پایمال شده بود و بنابراین احیاء آن ضرورت دارد.

بی‌گمان، منظور از این حق‌ها، حقوق عامه در معنای مشابه یا حقوق همبستگی نبوده بلکه بیشتر ناظر بر حق‌هایی مانند حق‌های مدنی و سیاسی است که در دوران پیش از انقلاب بیش از هر چیزی در معرض تعرض و تعدی بوده است.

قوانین اساسی بیشتر کشورها حاوی فهرستی از حقوق و آزادی‌هایی می‌باشند که غالباً و نه لزوماً، در ارتباط با اتباع و یا شهروندان کشور مربوطه موضوعیت پیدا می‌کنند اما ممکن است کسانی در یک کشور و از برخی از این حقوق برخوردار گردند که تبعه و یا حتی شهروند آن کشور محسوب نمی‌شود. «عنوان انتخابی برای حقوق و آزادی‌های مورد بحث غالباً به گونه‌ای است که مهم‌ترین آنها از قلمرو حقوق شهروندی فراتر رفته است به عنوان مثال: حقوق بنیادی (آلمان، سوئیس، هلند)؛ اعلامیه حقوق بشر و شهروندان فرانسه، آزادی‌های عمومی (مصر)، حقوق و آزادی‌های انسان و شهروند (فدراسیون روسیه) و لایحه حقوق و آفریقای جنوبی از این عناوین هستند»^۱.

^۱-رابرت، رال مدکس، (۱۳۸۵) قوانین اساسی کشور های جهان (بررسی قوانین اساسی هفتاد کشور) ترجمه سیدمقداد ترابی، تهران، مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش صص ۳۵-۱۸

نکته دیگر در پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به پیروی از فصل دوم متمم قانون اساسی شروط «حقوق ملت ایران»، فصلی تحت عنوان «حقوق ملت» پیش‌بینی شده بود که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی تحت عنوان فصل سوم، عیناً، ابقاء گردید.

با توجه به تعریف حقوقی - سیاسی ملت^۲، به نظر می‌رسد که با حذف «ایران» از عنوان مربوطه تغییری در دایره شمول موضوع حقوقی و آزادی‌های فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مقایسه با متمم قانون اساسی مشروطه، ایجاد شده است. ضمن آنکه، عنوان انتخابی برای فصول مورد بحث جامع نمی‌باشد، چرا که با بررسی حقوق و آزادی‌های مزبور در آن بطور واضح می‌توان پی برد که برخی از آنها، همچون حق حیات و آزادی تن یا منع شکنجه یا ممنوعیت تفتیش عقاید ممکن است شامل افرادی گردند که در تعریف ملت بشرح فوق نمی‌گنجد.

«برخی معتقدند حکومت اسلامی می‌تواند از رسیدگی به دعاوی غیر مسلمانان خوداری نماید»^۳.

«از طرف دیگر، گرچه با مبنا قرار گرفتن ایمان و عقیده و جنسیت، تفاوت‌های اساسی بین مؤمنان و غیر مؤمنان (کفار) و زنان و مردان کاملاً مشهود است»^۴ اما در بینش اسلامی همه انسان‌ها دارای شئون و حیثیات برابرند. زیرا اسلام همه بشر را به عنوان یک ملت معرفی می‌کند، ملتی که مجموعه انسانیت را شامل می‌گردد. طبق این مفهوم از ملت، «مرزهای جغرافیایی نمی‌توانند موجب محروم ساختن انسان‌ها از حقوق و آزادی‌های مشروع گردند که مقتضای کرامت، ارزش ذاتی انسان می‌باشد؛ حقوقی که مهمترین آنها در قانون اساسی بیان شده‌اند»^۱.

۲-۷- حقوق شهروندی در قانون مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری

در آئین دادرسی کیفری مفاهیم حقوق شهروندی از اساس‌ترین مفاهیم است، حقوق و امتیازات مورد بحث در قوانین آئین دادرسی کیفری و مجازات، نسبت به سایر مفاهیم و معیارهای حقوقی بشر و شهروندی، مرکزیت دارند. چه اگر دولت‌ها، از این راه با اعمال قدرت و استبداد مخالفان خود را در هم کوبند دیگر نه از کرامت انسانی نشانی خواهد ماند و نه از اقدامات سیاسی دموکراتیک.

ولی فیلسوف حقوق جرم‌ها^۲ نظر دیگری دارند: «در جوامع دموکراتیک جنبه‌های سیاسی آئین دادرسی کیفری تقریباً فراموش شده‌اند آنگاه که دیکتاتورهای قرن بیستم در هم شکستند، دیکتاتورهایی که در یک واکنش ناگهانی شناخته شده ابزارهای کیفری خود را به حرکت درآوردند و واقعیت وابستگی آزادی‌های مدنی به حقوق کیفری را از بین بردند»^۳.

این نظام‌ها قاطعانه و بی‌رحمانه قلب شناخته‌شده‌ترین نهاد حقوق یعنی قانونمندی نظام جرایم و مجازات‌ها را نشانه می‌گرفتند. این برداشت در مورد تمام حقوق و آزادی‌های مدنی، از جمله اصول آئین دادرسی کیفری قابل طرح است، هر جا بخشی از حقوق به مخاطره افتد بخشهای دیگر نیز دیر نخواهد زیست، بنابراین باید گفت که اقدامات دموکراتیک، گسترش آزادی‌های مدنی و ثبات اقتصادی حامی یک نظام عدالت کیفری قانونمند و مهار شده خواهند بود.

اصول مورد بحث در تمامی حقوق کیفری کشورها از همسانی برخوردار است و آن اصول عبارتند از:

^۱- ابوالفضل، شریعت پناهی (۱۳۷۸) با بسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر دادگستر ص ۵۶

^۲- مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، بیست و هفت جلد، جلد چهارم انتشارات دارالکتب الاسلامیه ص ۳۸۷.

^۳- سید محمد هاشمی (۱۳۷۷) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو جلد، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر ص ۷۵

^۴- عباسعلی، عمیدزنجانی (۱۳۶۶) فقه سیاسی، یازده جلد، جلد یک، حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ص ۱۸۴

^۲- Jerome Hall

^۳- Hall. Op .Cit. P. 64

- ۱- محاکمه منصفانه^۱ «این اصل بنیادین از لوازم اساسی اعمال حقوق شهروندی است که بایستی حقوق کیفری و دادرسی کیفری جنگ جوانمردانه^۲ میان دولت و متهم باشد»
 - ۲- علنی بودن محاکمه^۳ «هیچ چیزی سریع‌تر از محاکمات سری به اقدامات خودسرانه و غیرقانونی منتهی نخواهد شد.»
 - ۳- استقلال و بی‌طرفی دادگاه^۴ «استقلال دادگاه از لوازم تردید‌ناپذیر دادرسی کیفری است»
 - ۴- محاکمه در مدت زمان معقول «تأخیر در محاکمه ممکن است متضمن بازداشت طولانی متهم از سوی نهادهای حاکم بدون ارجاع به یکی از رسیدگی‌های قضائی باشد.»
 - ۵- برائت^۵ «به عنوان حقی از حقوق اساسی در تمامی رسیدگی‌های که احتمالاً منتهی به مجازات می‌شوند، می‌باشد.»
 - ۶- اعلان و اطلاع^۶ «حق اطلاع فوری و تفصیلی از علت اتهام به زبانی که به متهم قابل فهم است.»
 - ۷- زمان و تسهیلات مناسب برای دفاع^۱
 - ۸- حق دفاع شخصاً یا توسط وکیل^۲ «متهم می‌تواند شخصاً از خود دفاع کند یا وکیل انتخاب کند و این به خود او بستگی دارد نه به نظر دادگاه.»
 - ۹- حق مواجهه با شهود مخالف و تسهیل احضار دادرسی شهادت شهود موافق.
 - ۱۰- حق برخورداری از مترجم.
 - ۱۱- اصل حق محاکمه حضوری^۳ «حقی که مقتضای ذات محاکمه منصفانه است و دادگاهها به محاکمه غیابی بسیار بی‌میل هستند.»
 - ۱۲- حق درخواست تجدید نظر «حق استیناف و پژوهش از مفاهیم و عناصر حقوق شهروندی در حقوق کیفری است.»
- یک عنصر آشنا که در این اصل‌ها فراموش شده است، محاکمه با حضور هیأت منصفه است. گرچه هیأت منصفه نماد مقابله با محکومیت‌های خودسرانه و غیرقانونی است. اما بیشتر باید آن را از دستاوردهای نظام حقوقی، انگلیسی، آمریکایی به شمار آورد، هیأت منصفه در شماری از کشورهای دارای نظام، چون ایالات متحده آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا، زلاندنو به ارزیابی امور موضوعی می‌پردازند.
- آقای دکتر آشوری در مقام اهمیت حقوق کیفری اظهار می‌نماید «اهمیت آئین دادرسی کیفری به ویژگی صاحب نظران مسائل جنایی پوشیده نیست، تا آنجا که گفته‌اند، چنانچه به کشوری نا شناخته گام نهید و مشتاق آگاهی از حقوق و آزادی‌های فردی و ارزش و اعتباری که جامعه برای آن قائل است باشید، کافی است به قانون آئین دادرسی کیفری آن مراجعه کنید^۱».
- در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و اصلاحی ۱۳۸۱ و قانون مجازات اسلامی ایران به حقوق شهروندی توجه ویژه‌ای به عمل آمده است، و تضمین‌های متعددی جهت حفظ رعایت آن از سوی مقامات قضایی مقرر شده است.

¹- Trial

²- Fair Fight

³-Public Trial

⁴- Independent And Impartial Tribunal.

⁵-Presumption Of Innocence

⁶- Notic

¹-Adequate Time And Facilities

²- Assistance Of Counsel

^۱- محمد آشوری (۱۳۸۵) آئین دادرسی کیفری جلد اول، چاپ یازدهم، انتشارات سمت، تهران ص ۱

آئین دادرسی کیفری به منزله مجموعه قواعد و مقررات ناظر به کشف، تعقیب، تحقیق دادرسی، و اجرای حکم است که از یک سو دغدغه حمایت از آزادی^۱ های فردی افراد را بر عهده دارد و از سوی دیگر بر «تأمین امنیت»^۲ در جامعه اهمیت می‌دهد و به عبارت دیگر «حق تأمین شخص»^۲ افراد را بر عهده دارد.

به تعبیر دیگر، نباید به بهانه تأمین امنیت در جامعه، حق ها و آزادی‌های فردی را نادیده گرفت. بدین منظور، در قوانین مختلف آئین دادرسی کیفری، مجموعه قواعد و تشریفات برای تأمین امنیت فردی شهروندان در برابر سوء استنادهای احتمالی ماموران حکومتی در نظر می‌گیرند. این قواعد و تشریفات جنبه آمرانه داشته و به نظم عمومی مربوط بوده و تخطی از آن موجب اعمال ضمانت اجرای کیفری و انتظامی می‌شود.

۳-۷- حقوق شهروندی در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

«قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از جمله قوانینی است که از ابعاد مختلف به تأثیرگذاری در تحول حقوق مردم ایران و سازگاری آن با استانداردهای جهانی می‌پردازد»^۱.

«در ماده ۱۰۰ قانون مزبور دولت موظف شده است، به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه، تربیت نسلی فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، داشتن وجدان کاری، با انضباط، با روحیه، تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، «منشور حقوق شهروندی» را مشتمل بر محورهای ذیل تنظیم و به تصویب مراجع ذی‌ربط برساند»^۲.

الف) پرورش عمومی قانون مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آئین شهروندی

ب) تأمین آزادی و صیانت از آراء مردم، و تضمین آزادی در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن.

ج) هدایت فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی به سمت فرایندهای قانونی و حمایت و تضمین امنیت فعالیتها و اجتماعات قانونی.

د) تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکل‌های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق زنان و کودکان.

ه) ترویج مفاهیم وحدت‌آفرین و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی

و) حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد

ز) ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه

در ماده ۱۳۰ قوه قضائیه موظف است لوایح ذیل را به تصویب مراجع ذی صلاح برساند:

الف) لایحه جرم زدایی از قوانین کیفری به منظور پیشگیری از آثار سوء ناشی از جرم انگاری در مورد تخلفات کم اهمیت، کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری و پیشگیری از گسترش بی‌رویه قلمرو حقوق جزا و تضييع حقوق و آزادی‌های عمومی.

ب) لایحه جایگزین مجازات حبس به منظور بهره‌گیری از روش‌های جدید اصلاح و تربیت مجرمان در جامعه و همچنین ایجاد تناسب بیشتر میان جرم و مجازات و شخصیت مجرم را تهیه و ارائه نماید.

ج) لایحه حمایت از حقوق شهود و متهمان.

د) لایحه حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی.

^۲ Le droit a La Securite

^۱ - سام، سوادکوهی، حقوق شهروندی و نظام دادرسی در ایران و سازمان ملل متحد، آلمان، آمریکا، انگلیس، فرانسه بی تا و بی تا ص ۴

^۲ - منتشره در روزنامه رسمی شماره ۱۷۳۷۵-۱۳۸۳/۷/۲۹

ه) لایحه حفظ و ارتقاء حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد در جهت اجرای اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

و) لایحه تعریف جرم سیاسی و تفکیک آن از سایر جرایم

بخش دیگر راجع به اقدامات اجرایی قوه قضائیه است. این قانون، هفت تکلیف اجرایی قوه قضائیه را در این خصوص بیان داشته است:

- ۱- استقرار نظام قضایی سریع، دقیق، ارزان، قابل پیش‌بینی قانونی، منصفانه و قاطع.
- ۲- رفع هر گونه تبعیض قومی و گروهی در قلمرو حقوقی و قضائی.
- ۳- پایه‌گذاری و تضمین بنیادهای حقوق مالکیت خصوصی و معنوی در قلمرو قضائی.
- ۴- تمهیدسازی و کارهای لازم برای پیشگیری از وقوع جرم بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی.
- ۵- طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات، عملیات، مدیریت قضائی به منظور سرعت بخشیدن به عملیات و مدیریت کارآمد، اصلاح فرایندها و بهبود روشهای انجام امور قضائی تا پایان برنامه چهارم.
- ۶- فراهم نمودن زمینه تشکیل نهادهای دادرسی غیردولتی.
- ۷- به منظور اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی و نیز به منظور تعمیم و حفظ حقوق عامه و گسترش خدمات حقوقی هر یک از اصحاب دعوا، حق انتخاب، معرفی و حضور دیگری در تمامی مراحل دادرسی اعم از تحقیقات، رسیدگی و اجرای احکام قضائی را به استثنای مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد و یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد می‌شود را دارند.

۴-۷- حقوق شهروندی در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

قانون کیفری تجلی باورهای بنیادین قانونگذار در شیوه رویایی درباره هنجارشکنی مخاطبان خود است. سیاست جنبی نیز روح حاکم بر کالبد بی‌جان قانون است. حقوق کیفری نیز در شمار حقوق مدنی و سیاسی قرار گرفته اند. دست کم ۱۵ اصل از قانون اساسی ایران به این حقوق اختصاص یافته است.

در این راستا در مورخه ۱۳۸۳/۱/۲۰ ریاست وقت قوه قضائیه خطاب به قضات، و مسئولان زندان بخشنامه‌ای صادر نمودند که کمتر از یک ماه بعد در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۵ در قالب طرح در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

در جریان بررسی طرح مذکور یکی از نمایندگان در توجیه برای تصویب این طرح بیان نموده است «مهم این است که یک مجموعه مستقل و کدمند با رویکرد جدید قوه قضائیه منطبق بر کلیات قانونی ارائه شود که گویای نیاز فعلی و فوری و ملی و بین‌المللی ما است و یک مساله مهم که مجموعه اینها در کنار هم قرا بگیرند و به اصطلاح تابلو بشود به عنوان پیشانی نظام مقدس ما خودش موضوعیت دارد»^۱

قانون مورد بحث دارای یک مقدمه و ۱۵ بند است که چهارده بند نخست حقوق مورد نظر قانونگذار و در بند پانزدهم مسائل مربوطه به نحوه اجرایی کردن این قانون بیان شده است.

محورهای مورد تأکید در قانون مورد بحث عبارتند از:

^۱ - مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، جلسه ۴۲۳، روزنامه رسمی شماره ۱۷۲۶۳

- ۱- کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت با رعایت قوانین و حکم و دستور قضائی مشخص و شفاف
- ۲- انحصار محکومیت‌ها به مباشر، شریک، معاون جرم و صدور آنها وفق ترتیبات قانون
- ۳- حاکمیت اصل برائت تا اثبات جرم در دادگاه صالح و قطعیت آن
- ۴- مستدل و مستند بودن رأی به مواد قانونی یا منابع معتبر در صورت نبودن قانون
- ۵- حق برخورداری هرکس از امنیت لازم در پناه قانون
- ۶- رعایت حق دفاع متهمان متکی فهم و در محاکم و دادرها و فراهم کردن فرصت استفاده از وکیل و کارشناس برای

آنان

- ۷- رعایت کامل اخلاق و موازین اسلامی در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم و در مظان اتهام و مرتکبان
 - ۸- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد در جریان قرار دادن خانواده دستگیر شدگان
 - ۹- اجتناب از ایزای افراد و تحقیر و استخفاف آنان
 - ۱۰- خودداری بازجویان و مأموران تحقیق در اقدام‌های خلاف قانون از قبیل پوشاندن سر
 - ۱۱- انجام بازرسی‌ها و معاینات محلی بدون مزاحمت در کمال احتیاط
 - ۱۲- عدم تعرض به اسناد و مدارک و عدم افشای مضمون آنها
 - ۱۳- ممنوعیت شکنجه و اخذ اقرار به اجبار
 - ۱۴- تحقیقات و بازجوئی‌ها منطبق با شیوه‌های علمی و قانونی
 - ۱۵- برخورد جدی براساس قوانین
 - ۱۶- طرح پرسش‌های مفید و روشن و مرتبط با اتهام
 - ۱۷- نوشتن پاسخ‌ها به کیفیت اظهار شده
 - ۱۸- نظارت جدی محاکم و دادگستری‌ها بر بازداشتگاه‌های ضابطین
 - ۱۹- اجتناب از دخل و تصرف ناروا در اشیاء توقیفی
 - ۲۰- تعیین تکلیف اموال و اشیاء متهمان در اسرع وقت
 - ۲۱- تعیین هیأت از سوی رئیس قوه قضائیه برای نظارت بر حسن اجرای قانون
 - ۲۲- مساعی لازم در اصلاح روش‌ها، انطباق آنها با قوانین و برخورد جدی با متخلفان.
- در مباحث بعدی به صورت مشروح و مفصل به هر یک از آنها خواهیم پرداخت.
- البته حقوق و آزادی‌های شهروندان، تنها در این قانون مورد حمایت قرار نگرفته است، علت اینکه صرفاً به بررسی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در این مثال پرداخته‌ایم به این معناییست که کلیه حقوق و آزادی‌های مورد حمایت قانونگذاری را احصاء کرده باشیم. علت مطالعه این قانون، صرفنظر از مرتبط بودن عنوان آن با موضوع بحث، آن است که قانونگذار در این قانون تا اندازه‌ای خواسته است اصول دادرسی منصفانه را که لازمه تضمین حقوق قضائی و اجرای عدالت در هر کشور دموکراتیک است را یکجا مورد تأکید مجدد قرار دهد و الا مواردی نظیر این قانون در قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب موجود بوده است.

۵-۷- حقوق شهروندی در قانون نظارت بر رفتار قضات

بحث درباره نظارت انتظامی بر قضات در قوه قضائیه بدان جهت لازم است که قرار است در مقررات مربوطه به تعقیب و محاکمه و مجازات انتظامی قضات تجدید نظر اساسی شود.

قانون نظارت بر رفتار قضات در نهایت در جلسه علنی روز یکشنبه هفدهم مهر ماه سال نود در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۷ به تائید شورای نگهبان رسیده و جهت اجرا ابلاغ شده است. در برخی از مقررات این قانون که عمدتاً شامل تخلفات انتظامی قضات است به رعایت حقوق شهروندی افراد و مراجعان به محاکم دادگستری‌ها تأکید شده است که آن موارد عبارتند از:

- ۱- صدور رأی غیر مستند و غیر مستدل
- ۲- تاخیر یا تجدید وقت دادرسی بدون وجود جهت قانونی و بررسی ذکر علت
- ۳- رفتار خارج از نزاکت حین انجام وظیفه یا به مناسب آن
- ۴- خودداری از پذیرش مستندات و لوایح طرفین و وکلاء آنان جهت ثبت و ضبط فوری در پرونده
- ۵- استنکاف از رسیدگی و امتناع از انجام وظایف قانونی
- ۶- خارج کردن مستندات و لوایح طرفین از پرونده
- ۷- خروج بی طرفی در انجام وظایف قضائی
- ۸- اهمال در انجام وظایف محوله
- ۹- اعلام نظر ماهوی پیش از صدور رأی
- ۱۰- عدم رعایت مقررات مربوط به تشکیل جلسه دادرسی و ابلاغ وقت رسیدگی و مقررات مربوطه به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا محلی.

تصویب این قانون که مشتمل بر ۵۶ ماده و ۸ تبصره است، مقررات رسیدگی به تخلفات انتظامی قضات در نظام مقررات قبل که بعضاً متزلزل و زائل شده بود را نظامند ساخت و ادامه حیات رسیدگی دادگاه انتظامی قضات را که پنجاه سال قبل شروع شده بود را منجر شد. همچنین تصویب این قانون می‌تواند زمینه‌ای باشد برای تفکر و تأمل در خصوص مسئولیت انتظامی قضات.

یکی از ابتکارات قابل توجه این قانون ماده ۳۰ آن می‌باشد در این ماده آمده است «رسیدگی به جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است» که باب جدیدی در طرح دعوای مسئولیت مدنی علیه قضات گشوده است که در مباحث بعدی به تفصیل به آن می‌پردازیم.

۶-۷- حقوق شهروندی در فرمان ۸ ماده‌ای امام خمینی(ره)

حضرت امام خمینی(ره) به عنوان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران در فرمان موسوم به فرمان ۸ ماده‌ای حضرت امام خمینی(ره) خطاب به مسئولان قضائی و ضابطان و قوای نظامی و انتظامی فرمانی صادر نمودند که مبتنی بر رعایت و تضمین حقوق شهروندی توسط مسئولان و سازمان‌های مربوطه است. در این فرمان

۱- هیچ شخصی حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد، توقیف کند یا احضار نماید. هر چند مدت توقیف کم باشد توقیف با احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

۲- هیچ کسی حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول مداخله و تصرف و یا مصادره نماید، مگر به حکم حاکم شرع، آنهم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.

۳- هیچ کسی حق ندارند به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی بدون اذن صاحب آن وارد شود، یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم و یا ارتکاب گناه، تعقیب و یا مراقبت نماید یا به فردی اهانت نماید و اعمال غیر انسانی اسلامی مرتکب شود یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه مردم هر چند که گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا بدنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید، تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشاء و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبان هر یک از امور فوق، مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها مستوجب حد شرعی می‌باشند.

این فرمان در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۵ صادر که سر لوحه سایر قوانین عادی در جهت رعایت حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع مردم در ایران گردید.

۸- مفهوم آزادی‌های مشروع

انسان در وضع طبیعی از آزادی برخوردار است و می‌تواند هر کاری را برای زندگی و سعادت خود لازم می‌داند، بدون اجازه گرفتن از کسی یا مقامی آزادانه انجام دهد به این شرط که از حدود قانون طبیعت تجاوز نکند. آزادی انسان در وضع طبیعی به دو صورت جلوه می‌کند؛ یکی اینکه آزادی طبیعی انسان به عنوان قدرت آزاد وی در انجام هر کاری که برای حفظ زندگی و سعادت فردی‌اش ضرورت دارد. این آزادی تنها از سوی قانون طبیعت محدود می‌شود. دیگری، قدرت آزاد وی برای تضمین و اجرای همین قانون طبیعت. منظور از قانون طبیعت عبارت است از این حکم عقلی و اخلاقی که همه افراد بشر به یک اندازه از حقوق طبیعی برخوردارند و هیچکس نمی‌تواند به بهانه استفاده از آزادی به آزادی دیگری لطمه بزند. ایجاد جامعه سیاسی و حکومت را بهترین درمان نابسامانی‌های ناشی از وضع طبیعی می‌دانند و معتقدند هیچ انسانی به طور فطری محکوم و متبوع قدرت سیاسی انسانی دیگر و یا گروه دیگری نیست. «از اینجا حقوق دانان و فیلسوفان نتیجه می‌گیرند که حاکمیت سیاسی تنها می‌تواند بر پایه رضایت کسانی ایجاد شود که پیرو آن به شمار می‌آیند، یعنی تنها کسانی که راضی به شکل‌گیری یک حاکمیت سیاسی‌اند، اعضا و متبوع آن محسوب می‌شوند»^۱. در تعریف دیگری از آزادی گفته شده «آزادی، آن است که فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود، از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی کشور شرکت جوید و یا در مجامع، آزادانه، عقاید و افکار خود را به نحو مقتضی ابراز نماید»^۲.

البته در هیچ یک از نظام‌های حقوقی آزادی مطلق وجود ندارد بلکه حق آزادی انسان‌ها محدودیت‌هایی دارد زیرا در عمل این تجربه همواره وجود داشته است که هم افراد و هم دولت با مداخله ناروا و تجاوزات خود، حق مذکور را مخدوش ساخته‌اند. همچنین آزادی انسان‌ها توأم با مسئولیت می‌باشد در نظام جمهوری اسلامی ایران «آزادی توأم با مسئولیت در برابر خدا»^۳ به عنوان اصل محوری و ارزشی و یکی از پایه‌های ایمانی جمهوری اسلامی یاد شده است. اصل نهم قانون اساسی مقرر می‌دارد:

^۱- منوچهر، طباطبایی موتمنی، پیشین، ص ۳۴.

^۲- همان، ص ۹۶.

^۳- بند ۶ اصل دوم قانون اساسی

«در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است... و هیچ مقامی حق ندارد ... آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند». بنابر این اصل، تمام اداره کنندگان کشور، در اعمال حاکمیت خود، باید آنچنان رفتار کنند که به آزادی‌های مردم کمترین لطمه ای وارد نشود.^۱ «آزادی‌های مشروع در هیچ یک از قوانین تعریف نشده است اما باید گفت آزادی‌های مشروع، آزادی‌هایی هستند که توسط قانون محدود و ممنوع نشده‌اند. البته باید گفت که آزادی نیز حق می‌باشد به عبارت دیگر یکی از انواع حق‌ها، حق آزادی می‌باشد»^۲.

بدین ترتیب باید گفت که رابطه بین حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع، رابطه عموم و خصوص مطلق می‌باشد چرا که یکی از حقوق اصلی شهروندی، آزادی‌های مشروع می‌باشد.

۱-۸- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران

حقوق شهروندی، به آن دسته از حقوقی گفته می‌شود که هر شخص در کشور و جامعه خود، به عنوان شهروند می‌تواند از آنها برخوردار شود و دولت و سایر شهروندان ملزم و مکلف به رعایت آنها هستند (بهبول زاده و بهلول زاده، ۱۴۰۱). مهم‌ترین مصادیق حقوق شهروندی در ایران در چند اصل از قانون اساسی، با عنوان حقوق ملت بیان شده است. به موجب این اصول:

• اصل نوزدهم:

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

• اصل بیستم:

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

• اصل بیست و یکم:

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او.
۲. حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست. ۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.
۵. اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی

• اصل بیست و دوم:

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

• اصل بیست و سوم:

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

• اصل بیست و چهارم:

^۱ - محمد، هاشمی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، همان، ص ۲۱۵

^۲ - پیتر، جونز، حقوق، (۱۳۸۷)، ترجمه سیدرضا حسینی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷، ص ۲۰

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند.

• **اصل بیست و پنجم:**

بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

• **اصل بیست و ششم:**

احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

• **اصل بیست و هفتم:**

تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

• **اصل بیست و هشتم:**

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

• **اصل بیست و نهم:**

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایتهای مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.

• **اصل سی ام:**

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

• **اصل سی و یکم:**

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

• **اصل سی و دوم:**

هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

• **اصل سی و سوم:**

هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور

ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

• **اصل سی و چهارم:**

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

• **اصل سی و پنجم:**

در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

• **اصل سی و ششم:**

حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

• **اصل سی و هفتم:**

اصل، براءت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

• **اصل سی و هشتم:**

هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

• **اصل سی و نهم:**

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. کلیه حقوق شهروندی هر شهروند در یک کشور به شکل یک سند در منشور حقوق شهروندی پرداخته شده است و منشور حقوق شهروندی در کشور ما در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۹۵ توسط رئیس‌جمهور امضا و به شهروندان ابلاغ شد. این منشور بر اساس چهارچوب قانون اساسی و همچنین موازین اسلامی تنظیم شده است که در آن به مصادیق متعددی از حقوق شهروندی از جمله حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی، حق آزادی و امنیت شهروندی، حق صلح، امنیت و اقتدار ملی، حق اشتغال و کار شایسته، حق مسکن و حق دسترسی به اطلاعات و ... پرداخته شده است.

اما علاوه بر قانون اساسی، در سال ۱۳۸۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به تصویب مجلس رسید. این قانون مشتمل بر ماده واحده و دارای ۱۵ بند است که در هر بند آن به بیان حفظ آزادی‌های مشروع افراد به عنوان شهروند و وجود تکالیفی بر کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادسراها و ضابطان قوه قضائیه می‌پردازد. ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱- کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلیقه شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲- محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات

نشود و رای مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳- محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلا در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایزدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷- بازجویان و ماموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدام های خلاف قانون خودداری ورزند.

۸- بازرسی ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه ها و نوشته ها و عکس های فامیلی و فیلم های خانوادگی و ضبط بی مورد آنها خودداری گردد.

۹- هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰- تحقیقات و بازجویی ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه های علمی قانونی و آموزش های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش های خلاف آن متوسل شده اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱- پرسش ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرموثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲- پاسخ ها به همان کیفیت اظهارشده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد.

۱۳- محاکم و دادسراها بر بازداشتگاههای نیروهای ضابط یا دستگاههایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می دهند.

• نحوه رفتار ماموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند.

• با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم

قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵- رئیس قوه قضائیه موظف است هیاتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاههایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیات همکاری لازم را معمول دارند. آن هیات وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

جریان شهروندی، جریان تغییر که خواهان تغییر نظام فکری و اندیشه‌ها، نگرشها و روشهای برای تغییر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قانونگذاری و مدیریتی، حل بحرانها و بهبود اوضاع کشور و شهروندان ایرانی می‌باشد و براین باور است که شهروندگرایی تنها نظریه‌ای است که برخلاف رویکردهای نژادی، قومی، دینی، مذهبی، ناسیونالیستی، شونیستی و باستانگرایی می‌تواند همه شهروندان ایرانی را از هر جنسیت، نژاد، دین، مذهب، قومیت، زبان، فرهنگ، منطقه جغرافیایی، عقیده سیاسی و هر گروه اجتماعی را تحت پوشش خود گرد آورد و آنچنان فراگیر است که همه ایرانیان خود را دارای حقوق و تکالیف یکسان و برابر، مطالبات و منافع خود را در آن مشاهده و در اداره کشور مشارکت و سهیم دانسته که برای تغییر در وضعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قانونگذاری و مدیریتی، حل بحرانها و بهبود اوضاع کشور و شهروندان ایرانی برابر این تغییرات می‌داند. جریان شهروندی هدف غایی خود را تحقق دولت حقوقی که مبشر تحقق حقوق بشر و شهروندی، قانونمداری، برابری، آزادی، تکثرگرایی، شایسته سالاری، عدالت اجتماعی، تعهد، شفافیت، تنوع، مطالبه‌گری، پاسخ‌گویی، صلح، توسعه، مدارا، بردباری، مهرورزی، نفی تبعیض، عدم خشونت، ارتقا مسئولیت‌پذیری شهروندان، رعایت حقوق زنان و کودکان و کرامت انسانی را در اعمال پروسه متکامل گام به گام روشنگری، توانمندسازی شهروندان، سازواری (ائتلاف) مدنی، فرمان مدنی، بازنگری همه جانبه قانون اساسی، انتخابات شفاف، آزاد و عادلانه، انتخاب و انتصاب مدیران توسعه یافته بشرح ذیل می‌داند.

اگر قصد هر قانونگذاری و هدف غایی هر قانون را خوب بشکافیم، در نهایت به انسان ختم می‌شود. به عبارت دیگر قواعد حقوق بشری، قواعدی هستند که به طور مستقیم و بدون واسطه و بدون تحلیل نهایی به فرد انسانی مربوط می‌شوند. شالوده و سنگ زیرین تمام مجموعه حقوق بشر کرامت انسانی است. خداوند به بنی آدم این کرامت را هدیه داده است و از این رو باید همواره به عنوان یک ارمغان الهی محترم شمرده شود. قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که تجلی باورهای بنیادین قانونگذار در شیوه رویارویی با هنجارشکنی مخاطبان خود است، در این قانون حقوق قضایی و اصول ناظر بر دادرسی عادلانه مورد توجه قرار گرفته است؛ حقوقی که اغلب در قانون اساسی نیز منعکس شده است. اما در عین حال این قانون از نظر تعیین ضمانت اجرای تخلف از مقررات و تعدی و تفریط در احقاق این حقوق ساکت است. این کاستی آشکار است. از یک سو قانونگذار درصدد رویایی با ناقضان اساسی‌ترین ارزش‌های اجتماعی بوده و از سوی دیگر پاسخ کیفری به آنها را به سایر قوانین حواله کرده است. پیشنهاد می‌شود برای پاسخ به این موارد، مواد قانونی، به منظور پیشگیری از نقض حقوق شهروندان در مواردی که نقض قانون ناشی از فقدان تشریفات قضایی و روش‌های مناسب باشد اصلاح شود و پاسخ‌های اداری در چهارچوب قوانین انضباطی و پاسخ‌های کیفری اصلی و تبعی به قضات داده شود.

رعایت و حمایت از حقوق شهروندی در کنار حقوق بشر از زمره مهم‌ترین وظایف حکومت است که در بندهای (۷)، (۸)، (۱۲) و (۱۴) اصل سوم قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته است. این وظایف بین قوای سه‌گانه با توجه به صلاحیت‌های هر یک توزیع شده ولی در این میان رئیس‌جمهور با توجه به سوگندی که در اصل ۱۲۱ قانون اساسی یاد می‌کند و اعلام می‌دارد که «از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم» مبنای رعایت آزادی‌های مشروع، تأمین حقوق عامه و شهروندی است. یکی از ابزارهای حقوقی در جهت شناسایی و تثبیت حقوق شهروندی، درج مفاد حقوق شهروندی در اسناد قانونی است. صدور منشور حقوق شهروندی در آذر ماه ۱۳۹۵ توسط رئیس‌جمهور محترم جمهوری در دولت یازدهم بحث‌هایی را در زمینه صلاحیت قوه مجریه و مقام ریاست جمهوری در زمینه تدوین و ابلاغ حقوق شهروندی در محافل حقوقی برانگیخت.

دولت این نیاز ضروری جامعه را باید با وضع قانونی مناسب برآورده سازد، به نحویکه شهروندان بتوانند در سایه چنین قانونی، بدون هیچ گونه تعصبی، در سایه امنیت و آرامش به زندگی روزمره خود ادامه دهند؛ بنابراین ضروری است قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲/۰۲/۱۵ بررسی شود. این بررسی با توجه به اهمیت احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی در اجرای اصول قانون اساسی، یعنی رعایت حقوق ملت و نیز ارتباط نزدیک آن با ارزش‌های اجتماعی جامعه برای تحقق عدالت انجام میشود. آزادی همچون سایر حق‌های طبیعی، مانند حق حیات و حق ازدواج از بنیادیترین حقوق طبیعی انسان تلقی میشود؛ به طوریکه میتوان حتی گفت این حقوق بنیادین بر قانون برتری دارند (چنانکه از اصل ۹ قانون اساسی میتوان برداشت کرد) و هر قانونی بدون ملاحظه این حقوق بنیادین ظالمانه تلقی میشوند و شایسته اطاعت نیست؛ همچنین اساساً نمیتوان این حقوق بنیادین را معامله کرد و به هر مصلحتی نقض نمود؛ اما برای جلوگیری از تزاخم و تعارض حقوق و آزادیهای افراد جامعه، باید چارچوبی وجود داشته باشد. با تشکیل قرارداد اجتماعی برای تعیین ضمانت‌اجراهی تجاوز به ۴۳ حقوق و نقض آزادیهای مشروع، این تفکر تقویت میشود که به آزادیهای فردی تنها تا جایی که با هنجارهای پذیرفته شده جامعه سازگار باشد، باید احترام گذاشت. بنابراین از یک سو این آزادیهای فردی برگرفته و نشئت یافته از حقوق طبیعی انسان است و با هیچ مصلحت و یا بهانه‌ای نمیتوان این آزادی را محدود کرد یا از بین برد؛ از سوی دیگر آزادیهایی که حقوق طبیعی انسان است تا جایی میتواند محترم باشد که در چارچوب کنترل شده‌ای، مانند قانون، شناسایی شده باشد و الا نمیتوان این آزادی طبیعی را که مرز نمیشناسد، در جامعه‌ای مبتنی بر ملاحظات اخلاقی و مذهبی، کنترل کرد.

منابع

۱. بخشنامه حقوق شهروندی؛ قوه قضائیه. وبگاه حقوق. دریافت شده در ۱۴ مه ۲۰۰۸.
۲. تاریخچه تدوین قانون مدنی، دکترحمید بهرامی احمدی. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۳. زمستان ۱۳۸۳. بایگانی شده از اصلی در ۲۲ مه ۲۰۰۸. دریافت شده در ۱۶ مه ۲۰۰۸.
۳. حقوق اساسی و حقوق شهروندی. وبگاه حقوق سبز. ۱ آبان ۱۳۸۵. بایگانی شده از اصلی در ۲۰ آوریل ۲۰۰۸. دریافت شده در ۱۶ مه ۲۰۰۸.
۴. احد زاده، عباس، دلشاد، ابراهیم، پورجوهری، علی. (۱۳۹۹). چگونگی و چرایی قانون برای احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مطالعات تطبیقی حقوق شهروندی تابستان ۱۳۹۹، دوره یکم - شماره ۱ (از ۳۹ تا ۵۴).
۵. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۷۰). «شکنجه»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۹.
۶. اردبیلی، محمدعلی، امیر ارجمند، اردشیر، تازی، سیدفاطمی، سیدمحمد، جاوید، محمدجواد. (۱۳۸۶). چیرستی و چرایی حقوق شهروندی، مجله حقوق دادگستری، شماره ۵۸.
۷. اس. ترنر، برایان. (۱۳۸۶). مفهوم شهروندی، ترجمه کارگزاری، جواد، مجله حقوقی دادگستری، ۵۸، صص ۱۷۰-۱۵۳.
۸. اندرد، ولوین. (۱۳۸۰). طرح و نقد نظریه لیبرال دموکراسی، ترجمه، زیباکلام، سعید، چاپ اول، انتشارات سمت.
۹. آشوری، محمد. (۱۳۸۰). آئین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. برناردی، برون. (۱۳۸۳). مردم سالاری در تاریخ و اندیشه غرب، ترجمه باقری، عباھی، چاپ اول، تهران، نشرنی.
۱۱. بهلول زاده، مریم و بهلول زاده، زینب. (۱۴۰۱). مقایسه قانون رعایت آزادی های مشروع و حمایت از حقوق شهروندی در ایران و آمریکا، چهارمین کنفرانس بین المللی و پنجمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، تهران.
۱۲. رال مدکس، رابرت. (۱۳۸۵). قوانین اساسی کشور های جهان (بررسی قوانین اساسی هفتادکشور)، ترجمه سید مقداد ترابی، تهران، مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۱۳. رضایی پور، آرزو. (۱۳۸۵). مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، چاپ نخست، تهران، نشر آریان.
۱۴. ژاک، مورژنون. (۱۳۸۰). حقوق بشر؛ ترجمه، نقیب زاده، احمد، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۱۵. سوادکوهی، سام، حقوق شهروندی و نظام دادرسی در ایران و سازمان ملل متحد، آلمان، آمریکا، انگلیس، فرانسه بی تا و بی نا.
۱۶. سید محمد قاری سید فاطمی. (۱۳۸۲). «حقوق بشر در جهان معاصر»، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۴۹
۱۷. شریعت پناهی، ابوالفضل. (۱۳۷۸). بایسته های حقوق اساسی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۱۸. عمیدزنجانی، عباسعلی. (۱۳۶۶). فقه سیاسی، یازده جلد، جلد یک، حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۹. غمامی، سید محمد مهدی. (۱۳۹۸). بررسی تحلیلی انتقادی بند (۴۹) الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: "اجرای کامل ضمانت های پیش بینی شده در قانون اساسی در حوزه آزادی های فردی و اجتماعی و آموزش و ترویج حقوق و تکالیف شهروندی و تقویت احساس آزادی در آحاد جامعه، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ دوره ۸؛ ۲۲/۰۳/۱۳۹۸ - ۲۳/۰۳/۱۳۹۸ (۱۶ صفحه).
۲۰. فالکس، کیت. (۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه دلفروز، محمدتقی، چاپ اول، تهران، چاپ غزال.

۲۱. قسیم اخگر (۸ قوس ۱۳۸۵)، «شهروند کیست، چه وظایف و مسئولیتهایی در قبال دولت و جامعه و دارد؟»، گفتگوی بنیاد آرمانشهر، ص. ۳ تا ۱۸.
۲۲. کاستلز، استفان و دیویدسون آ. (۱۳۸۲). مهاجرت و شهروندی، ترجمه تقی لو، فرامرز، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۳. کریمی، فریبا. (۱۴۰۰). آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه بهار ۱۴۰۰، دوره هفتم - شماره ۱ (از ۴۸۹ تا ۵۰۰)
۲۴. کوهن کارل. (۱۳۸۷). دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، انتشارات خوارزمی.
۲۵. لیپیت، مارتین، هیود. (۱۳۸۳). دایره المعارف، دموکراسی، ترجمه فانی، کامران و مرادی، نوراله، جلد دوم، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۶. مجموعه مقالات همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی»، شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن ۱۳۸۶.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، بیست و هفت جلد، جلد چهارم، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. موتمنی طباطبایی، منوچهر. (۱۳۸۲). آزادی های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. موسوی، صادق، عموقلی میرآخوری، نرگس. (۱۳۸۹). بررسی حقوق شهروندی در اسلام با رویکردی بر نظریات امام خمینی (ره)، نشریه قرآن و حدیث، شماره ۱۳.
۳۰. نصیری، محمد. (۱۳۷۷). حقوق بین المللی خصوصی، چاپ پنجم. تهران، انتشارات آگاه.
۳۱. هاشمی، سید محمد. (۱۳۷۷). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو جلد، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر.
۳۲. هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران، انتشارات میزان.

Theoretical analysis of the basics of maintaining citizenship rights and respecting legitimate freedoms in law

Mohammad Hossein Jafari ^{1*}, Fatemeh Benadkian ²

1- Assistant Professor and Faculty Member, Department of Public Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

2- PhD student, Department of Public Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

Abstract

Man, this divine creation, was created as a free and independent being, the requirement of this freedom and authority is that every human being should freely and autonomously occupy all aspects of his life, including material and spiritual issues, and not have any obstacles in this way. Movement is the law of humans, and from this movement and activity, which is necessary for social life, many connections between human beings have emerged. Social life requires every human being to ignore a part of their own interests and sacrifice them in the way of promoting common interests, but since the time when a human being stepped into the field of ethics, or committed behaviors that He created a problem for him and his fellows, or he was harmed by another person by performing the same behavior. In this article, the concept of citizenship rights and the implications of these concepts are explained. In fact, the analysis of citizenship in today's world and what it is and why has been done. At the first glance, the boundary between human rights and citizenship rights is clear, but after explaining the issues, it will be clear that the separation between these two categories is not so easy, therefore, in this regard, discussions have been proposed and analyzed.

Key words: Citizen, Citizenship Rights, Human Rights, Legitimate Freedoms.
